



گایها

یا

سرودهای آسمانی زرتشت

برگردان به فارسی روان

تقلم : موبد فیروز اذکشب

مهرماه یکم آرزو سیصد و شصت هجری شمسی

نخا : علاءعلی عطارچیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نویسنده است





با سرمایه دانش‌گستر
بنامگانه خدایار جهانبخش مزدیسنا
از سوی انتشارات فروهر به چاپ رسید

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی
گاتها، یا سرودهای آسمانی زرتشت / برگردان به فارسی روان به قلم فیروز آذرگشسب؛ بخط
غلامعلی عطارچیان. - [تهران]: فروهر ۱۳۷۸.
۱۰۸ ص.

ISBN 964-6320-07-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
چاپ دوم.

۱. اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف. آذرگشسب فیروز،
مترجم. ب. عطارچیان، غلامعلی، خطاط. ج. عنوان: سرودهای آسمانی زرتشت.
PIR۴۷۳
۲۹۵/۸۲
کتابخانه ملی ایران
الف ۱۳۷۸
۱۲۵۸۰ - ۷۸ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها یا سرودهای آسمانی زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: موبد فیروز آذرگشسب

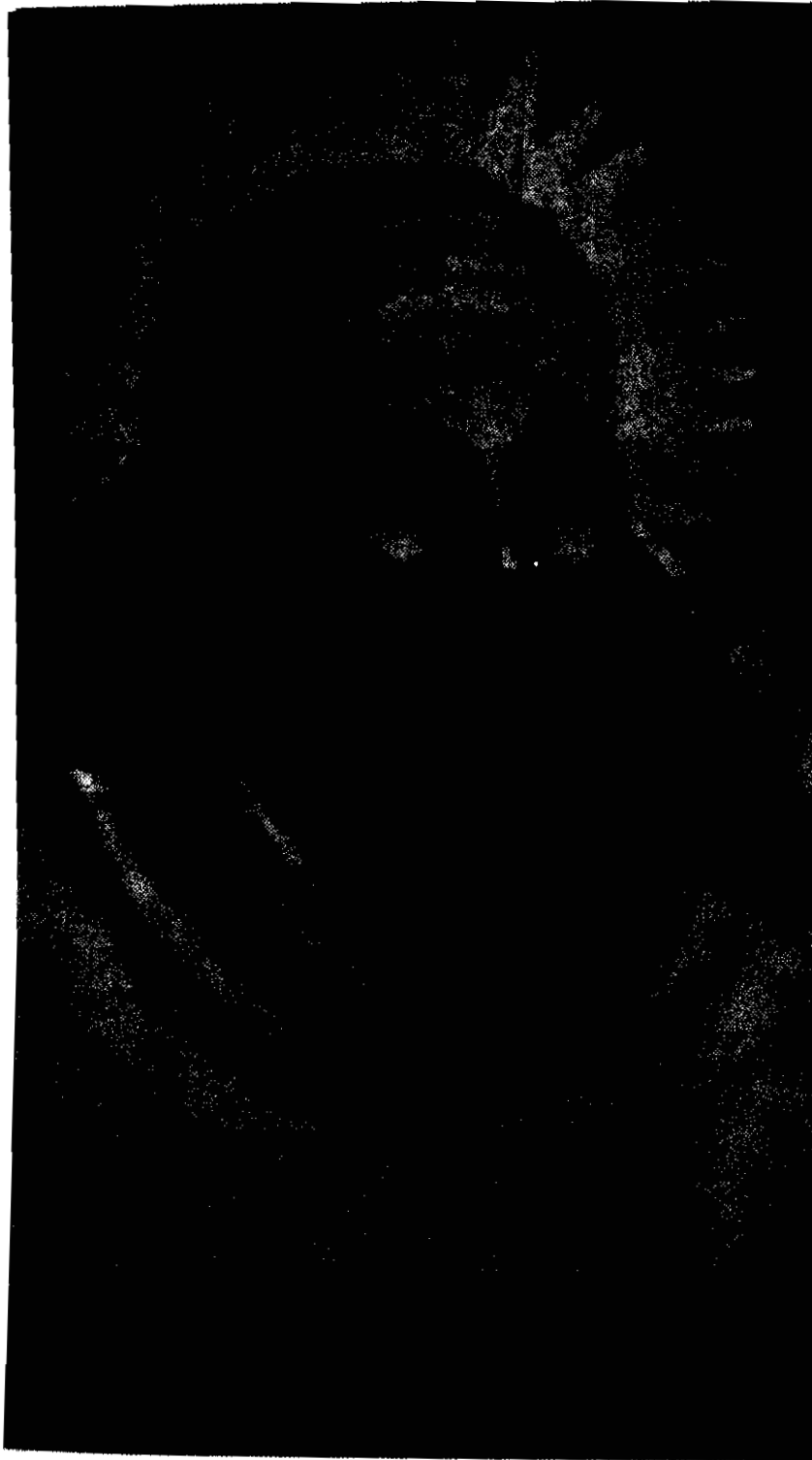
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۷-۴ I.S.B.N: 964 - 6320 - 07- 4





PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir





فهرست مطالب کتبا یا سرودهای آسمانی زرتشت با ذکر نامهای فصلها

حکات ها	فان ها	نمداهانها	نمدادبندها	ذکر صفحه ها
ایهودکات	ازات ۲۸ تا ۳۴ « ۱۷ ات یصل »	۷ ات یصل	۱۱ بند + یک بند غیر عادی	از ۲۸ تا ۶۱
اشتودکات	ازات ۴۳ تا ۴۶	۴ ات یصل	۶۶ بند	۲۲ تا ۸۵
سپنتدکات	ازات ۴۷ تا ۵۰	۴ ات یصل	۴۱ بند	۸۶ تا ۹۷
دهوخشترکات	ات ۵۱	نقطه ۱ ات یصل	۲۲ بند	۹۸ تا ۱۰۴
دهیشترکات	ات ۵۲	نقطه ۱ ات یصل	۹ بند	۱۰۵ تا ۱۰۸
		جمع ۱۴۸ بند + اضافی یک بند سرافاز		
پیش تقارار صفحه ۱ تا صفحه ۲۷				



پیش‌گفتار

نظر باینکه جمله اول و دوم کاتانا سرود های آسمانی اشوزشت که نگارنده برای ترجمه آنها سالهای بسیار رنج برده ام کتابهای بطور و کران قیمتی هستند که خرید آنها برای همه علاقمندان امکان پذیر نیست و از آنجا که اطلاع و آگاهی از متن سرود های مذکور و بکار بردن دستورهای اخلاقی و آموزشهای سودمند و شور بزرگ ایران در زندگی نه فقط برای افراد زرتشتی بطور خاص بلکه برای تمام مردم جهان بطور عام بسیار واجب است بنا بر این بر آن شدم که تنها ترجمه کامل آنرا همفزه ات فصل، کاتانا را یکجا در این کتاب آورده و آزاد دسترس علاقمندان قرار دهم باشد که در این راه خوانندگان محترم بی تجویز سرود های آسمانی زرتشت برده، درس زندگی و نهایت از آن آموخته، در ساختن جهانی آباد و آزاد و پیشرفته بجدیت و کوشش پردازند و در تأمین شجوهی آسایش بشر ممتد بکارند.

ضمناً برای آنکه خوانندگان از جنبه مفهوم کاتانا و سبب حیات آن بجهتین از سراییده آنها اطلاعی داشته باشند سعی خواهد شد بطور مختصر و فشرده در زیر آورده شود.

کاتانا از لحاظ مفهوم معنی سرود های آسمانی است و با واژه گیگا که سرود های مقدس هندو است مترادف میباشد. کاتانا دارای همفزه ات فصل میباشد که چون کنجی در میان نخستینسا قرار داده شده است و پنج بخش تقسیم گشته است که عبارتند از: آهتود - ایشتود - سبشند، ذروهشترود، هیشترایشت کات.





آهنگات از بت ۲۸ یسا شروع و تا بت ۳۴ ادامه دارد، جمعاً هفت فصل بوده و بنام
 یشت گاهان نیز معروفست که معمولاً هنگام انجام مراسم پرستش «ختم» توسط موبد خوانده میشود.
 آهنگات دارای چهار فصل بوده از بت ۴۲ یسا شروع و به بت ۴۶ خاتمه میابد
 سپنته گات نیز دارای ۴ فصل میباشد که از بت ۴۷ یسا شروع و بت ۵۰ خاتمه میابد.
 دَهوَخْشْتَرَو دَهْشْتَوَاشْت گات هر یک دارای یک فصل میباشد که بت ۵۱ یسا را دَهوَخْشْتَرَو بت

۵۳ رادَهْشْتَوَاشْت یساند

کاتانا بزبان اوستایی بسیار کهن سروده شده از لحاظ قدمت با ریکت و یهِنده برابر است و در سخنان دانشمندان
 هرگاه بتوانیم زمان کاتانا را تعیین کنیم زمان اشور زشت سرزیده این سرودهای نغز را
 نیز میتوان تعیین کرد، شاسفانه با توجه شدن کاتانجا به مظهر شاهی در تحت حمید بدست اسکندر مقدونی و از
 بین فتن باقیاننده مارک دینی زشتیان در حملات اعراب و یورش و هجوم قوم منول این سرزمین امروز
 مدک و ماخذی که بتوانیم تاریخ زشت و کاتانا را بطور دقیق بیابیم در دست نیست، بهین علت راجع به
 ایران تا بحال عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده است که از بین آنها راجع به سن نظری بحث خواهیم کرد.
 نظریه اول تاریخ سنتی است که زمان زشت را سیصدسال قبل از حمله اسکندر به ایران یا
 حدود قرن ششم میلادی دانسته است ولی این نظریه امروز بکلی مردود شناخته شده است
 بعلاوه اینکه زبان اوستایی کاتانا با فارس باستان پنجمنشی یکچگونه شباهتی ندارد و از آن





که نشسته بچکد ام از شاهان نجاشی ذکر می از نام پیر ایران کرده اند .
بعلاوه کتاب کیانی یاد پشیمان اشور زرتشت پادشاهی مقتدر و نیرومند بود در صورتیکه
کتاب نجاشی که در حدود قرن ششم بم، هیریت، پدروارپوش بزرگ و فرمانروای کوچکی میس نمود
و تقریباً بطور گمنام زندگی میکرده است چنانکه دارپوش در سگنوشته خود هیچ عنوانی برای پدرش
به کتاب قائل نشده است ولی خود را شاه شاهان میابد .

نظریه دوم گفته های مورخین یونان است که زمان زرتشت را حدود شش هزار سال قبل از میلاد
ذکر کرده اند، این نظریه نیز بعقت فقدان مدارک مستند و کافی طرفداران زیادی ندارد .
نظریه سوم عقیده اوستا شناسان دانشمندی است که زمان اشور زرتشت را یک هزار تا
یک هزار و هفتصد و پنجاه سال قبل از میلاد دانسته اند یعنی زمان زرتشت را کمی پانین تن از زمان
رگیدید شمرده اند ولی درین اوستا شناسان تنها نظریه پر وفور میزد که کمال اهمیت را در
برای اطلاع خوانندگان در زیر نقل میاید .

سالها پیش تصور میکردم زمان پیر ایران نباید بیش از یک هزار و پانصد سال قبل از میلاد باشد
ولی بعداً در اثر مطالعه زیاد توجه شدم که هر چند زمان زرتشت را از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
هم عقب تر سر هم منطقی تر خواهد بود زیرا هر گاه زبان گانانها را قبل از پرتش مهر بدانیم میوانیم این
کتاب آسمانی را کهن ترین مجموعه خطی بدانیم که به ما رسیده است؛ ولی با توجه بکلیه حقایق





مخصوصاً تاریخ گذشته ایران و تفسیراتی که در زبان آریائی چشم میخورد و عدم وجود مهر و موم در کاتانا با دو ایزدی که در اوستای تاشخورد یکدیگر مشترک بوده و دلیل از آنها بحث شده نشان میدهد که سالیان بسیار بسیار درازی طول کشیده است تا کیشی که خالی از هرگونه موهوم و خرافات و تعصب آلودگی بود نازل کرده و بصورتی درآید که در مهرپرستی آئین هوم رواج داشت بطور مسلم بدون تردید ایزدان مشترکی که در دیش با در یکدیگر ذکر شده اند بسیار کمین میباشند و اگر زمان کاتانا را قبل از پرستش ایزدان مذکور بدانیم چون در متن سرود ما هیچ ذکر می از آنها نشده است پس تاریخی برای قدمت کاتانا نمیتوان تعیین کرد.

صنایع و فنون راپسین آئیند آلمانی در این مورد می نویسد :

در سراسر کاتانا با وجود اینکه بیش از ۲۰۰ بار از خداوند یکجا نام برده شده است اغلب بصورت فردا اهورا و یا بصورت تعلیقی فردا و اهورا می باشد در صورتیکه در شکوخته های منشی همیشه نام خداوند جان و فردا، اورمزد و اهورا ذکر شده است و این موضوع نشان میدهد سالیان دراز و با حقیقت گذشت چند هزار سال لازم بوده است تا نامی را که مورد توجه و استفاده همگان بوده و هر روز مردم از آن یاد میکردند تغییر شکل و ماهیت بدین معنی از صورت فردا اهورا بشکل اهورا فردا و اورمزد درآید.

تحول زبان بشکل مذکور خیلی بذرت آهنگ بعد از گذشت قرن ها امکان پذیر است.



با توجه بظرفیه پروفور راپیس و پروفور سیز و تفتیق این دو عهدیه باهم، میوان گفت زمان اش
 زرتشت و گاتاها در حدود دو سه هزار تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. در حال اش زرتشت
 به بر زمان مکان محیطی تعلق داشت باشد مایه افتخار ایران و سر طبعی ایرانیان است زیرا
 اولین آموزگار و رهبری بود که بشیر را بسوی یکپارستی درستی ارشاد فرمود؛ در نیمه دوم با هم سخن خواهیم
 اما گاتاها بهمانطور که در بالا ذکر کردید دارای مفهدهصل بوده و هر کدام از مکاتبات دارای در
 و اجنت بخصوصی است که بدون کم و کاست بهت ما رسیده از دست حوادث روزگار این
 مانده است علت آن نیز به نظم بودن این سرودهاست که بهتر در حافظه مانده است.
 برخی از گاتاها دارای سه مصع ۱۶ سیلابی و ۴۸ سیلابی و برخی هم دارای شش مصع
 دوازده و هشت بجایی میباشند.

بطور مختصر میوان گفت کمین ترین، نغزترین، پر مغزترین، اندیشه بر انگیزترین، والا ترین
 مطن ترین بخش اوستائی را گاتاها تشکیل میدهند.

النون بسینیم گاتاها راجع به چه موضوعاتی بحث میکند. همترین عهد ترین بخش گاتاها
 به یکپارستی، طرز شناخت پروردگار بکتباد و توضیحاتی راجع به مزد اهورا، تسی بخش بکتباد و اناورا
 رسیدن به ادا احتیاص داده شده است. در گاتاها با صراحت تمام اش زرتشت را نخستین آموزگار
 بشیر و بشیر یکپارستی مطلق می شناسد و چنانکه در بندهم از ذات ۴۶ اش زرتشت کات میجوینم:





یکیت آن را مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموختن تو را ای پروردگار شایسته بین

ذات موردتسائیش بشناسیم و ترا در پاک کردار ما و سرور راستی ببینیم»

بطور مسلم این را مرد بزرگ کسی دیگر جز خوشروز بزرگ ایران نمی باشد که در ۲۵۰۰ سال قبل از

سیلاد برای ارشاد بشر بسوی یکتاشناسی برانگیخته شد. در زمانی که موبوم و خرافات و جهل و نادانی

سراسر ایران را فرا گرفته بود و خدایان پنداری بیشتر مورد توجه و احترام بودند و نیاز ما و فدیهای

خونین برای جلب ضاییت آنها انجام میشد، اشوزرتشت مردم را به پرستش یکتا خداوند بهیسا و

و آفریننده کاینات دعوت فرموده تنها او یعنی ابورمزدا هستی بخش دانای بزرگ یا خداوند

جان و خرد را سزاوارتسائیش و پرستش میگرد و در بند ۱۱ از باب ۴۴ یسانچین فرمود :

«... پروردگار امیدم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان نخستین آموزگار برگزیده»

اشوزرتشت بعنوان نخستین آموزگار بشر برای ارشاد مردم بسوی یکتاشناسی در راستی برگزیده شده است

و خود را موظف میداند تا در انجام این کار بزرگ که جز ارشاد و رهبری مردم جهان چیز دیگری نیست

فتمای کوشش خود را بنجامد.

در تأیید این گفتار که اشوزرتشت اولین آموزگار و مبشر یکتا پرستی در جهان بوده است»

بند سوم از باب ۲۸ اهنودگات میخوانیم :

« ای هستی بخش دانا، ای اشادای و همون (مظاهر راستی و پاکی) آدیشه نیک و





«هر روز می مردم، اکنون سرود هانی میرایم که پیش از این کسی نسروده است»
 همچنین در بند اول از باب ۳۱ نیسان آمده است که :
 «ای جویندگان دانش! اکنون آموزشها و پیام الهی را که با مجال شنیده نشده است
 برای شما آشکار خواهیم ساخت»
 این دو بند خوبی نشان میدهد که قبل از آشور رشت کسی بعنوان آموزگار و بر سر بطور
 مکرده بوده است .

ضمناً برای شناخت پروردگار بختی میفرماید بیدیه دل رجوع کنید زیرافهم و درک خداوند بختی از
 راه اندیشه امکان پذیر نیست چنانکه در بند هشتم از باب ۳۱ نیسان آمده است :
 «ای خداوند جان و خرد بختی که در اندیشه خود ترا سر آغاز و سرانجام هستی شناختم با تو
 دل دریا فتم که تویی سرچشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اوراد ادری که کردار مردمان
 جهان را داور می کنی».

و در مابعد این موضوع باز در بند هشتم از باب ۴۵ استودکات میفرماید :
 «چون ابورمزد را با دیده دل دیدم که کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو بخش را
 بسوی خود جلب کنم، با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروردگاری و درستی «بایتم که ابورمزد،
 هستی بخش دانا و پروردگار بختی است، بنا بر این نیایش قلبی و ستایش خود را بسیار گاه پیش نیانستم»



در این بند با کمال روشنی اشوزتشت امروزه در آستانه‌ی محبت دانا و پروردگار بخیا داد
و اورا سزوار نیایش و تسلیش قلبی میداند .

برابر اشوزتشت و کلمات ۴۴ اشوزتشت بطور شاعرانه امروزه در آفریننده زمین
آسمان و آب و گیاه و حیوان و انسان و خورشید و ماه و ستارگان کرات درخشان آسمان نیست
و اورا آفریننده کلیه کاینات و همه هستی با میانسند تنها سزوار تسلیش و پرستش می شمارد .

صفاقی که در کلمات برای خدا آمده است عبارتند از : ازلی و ابدی ، سرآغاز و سرانجام
همه چیز ، بالاتر و برتر از همه ، فروغ بی پایان ، روح محض ، همیشه حاضر و ناظر بر اعمال نیکان
خویش بخشنده و بخشاینگرد و مهربان ، تغییرناپذیر و جاودان ، از همه چیز آگاه و دانا ، توانا بر همه کارها
تیزبین و دوربین ، بدون شریک و بی‌همتا ، فریفته نشدنی و دوستی مهربان میمیی .
نکته ای که در کلمات با بدان اشارات مکرر شده است الهامی بودن سخنان اشوزتشت از
جانب امروزه و می باشد امید است کسانی که نا آگاهانه و خستور بزرگ ایران را فیلسوفی بیش
نیدانند بهار و زیر توجه نمایند .

در سرآغاز اشوزتشت کلمات چنین آمده است : « سلسله سزوارندیشه و گفتار و کردار اشوزتشت
الهامی است از سوی خدا و می‌تواند که انسان را بسوی رسانی و خوشبختی را بهمانی میکند . »

و در بند ۱۱ از ۲۸ بیانیفرماید :





«ای آفریننده بزرگ و دانا از راه حس و بینش و الهام داز پدید آمدن آفرینش را از روز
زلزل من بایوز، حقیقت را بر مردم جهان آشکار سازم.»

در رابطه با الهامی بودن سخنان اشوورتشت در کاتانا، اشارات زیادی شده است که
نکارنده یک مورد دیگر را ذکر و سپس توجه خوانندگان محترم را بنحایت دیگری که جنبه اخلاقی و
حیاتی دارند، مطوف خواهم ساخت.

در بند سوم از هات ۳۱ «... ای خداوند خردمرا از تمام این حقایق
آگاه و باگفتار الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم را با آئین راستی ارشاد کنم.»

یکی از مواردیکه کاتانا بر آن تاکید بسیار دارد و از اصول مهم کیش فردینا بنا بر سیاید
موضوع آزادی افراد در اختیار راه نیک بدوگرنش دین خود می باشد چنانچه در بند دوم از
هات ۳۰ این دو کات چنین آمده است :

« ای مردم بهترین سخنان را بگوشش بشنوید و با اندیشه ای روشن و ژرف بینی آنها را
بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصاً برگزینید، پیش از فرارسیدن روز پسین
همه پانخیزید و دستکش آئین راستی بکشید.»

و باز در بند ۱۱ از هات ۳۱ در همین مورد سفیر مایه :

« ای خداوند خرد و حکامی که در روز زلزله جسم و جان آفریدی از منش خویش خردی از یسیدن





و غرضشیدی، زمانی که بتن خاکی روان میدی و بانسان نیروی کار کردن سخن گفتن و بهی
کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه و باکمال آزادی کیش خود را برگزیند»

سلم است با وجود چنین آزادی افراد «مقابل عمل نیک و بد خود مسئول بوده و برابر کاتنا
در روز واپسین کسی از آنها شفاعت نخواهد کرد بلکه طبق بند ۵ از بات ۴۳ اشودکات امپراتور
مقرر فرموده است که «بدی از برای بدان و یکی از برای نیکان خواهد بود» یا عبارت دیگر اسکافا
عمل خاقل شو، کندم از کندم برودید جوزجو، برای هر کار نیکی پادشاه برای هر کار شستی کفیز
مقرر گردیده است و قانون اشایی یعنی کنش و کنش در همه جا و همه موارد حکم فرماست و بکس هر
هم با قدرت و نفوذ نخواهد توانست از و کنش عمل ناشایت خویش دان باشد چون برای هر کاری
سکافات و مجازات تعیین شده است. اشوزرشت بر دم توصیه میکند بر علیه بدی و در شستی پیکاری
دائم و پی گیر باید داشت و تا نابودی آن نباید از مبارزه دست کشید در بند ۴ از بات ۴۶
اشودکات در این مورد چنین آمده است :

«ای مزد کسی که با تمام نیرو و جودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرین را
براه فرود و دین حقیقی بر سببری خواهد کرد»

در مورد پیکار با بدی و حکمت پیروزی روشنائی بر تاریکی و سپنتا مینو بر انگره مینو اش
گماری شده است که بذکر برخی از آنها مبادرت خواهد شد.





در بند دوم از ذات ۳۳ یسنا میفرماید: «کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بزدوان خویش با بدکاران بکار کند و نقشه آنها را هتیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزرد».

در کیش زرتشت و بناگاتانا تنها پرهیز از کارهای ناشایست و دوری از شر و فساد کافی نیست بلکه علاوه بر آن افراد تبه کاری که در صدد ایجاد فساد و یا جنایتی هستند جلوگیری بعمل آورده و حتی آنها را سزا می دهند و خرف و سیه کار را براه راست هدایت نموده و زشتکاری آنها را هتیم سازد.

اثر زرتشت معتقد بود کسی که سیه کاران را کمک یا یاری نماید خود نیز از طرفداران و هواداران آنهاست و کسی که بیکو کاران کمک کند از پارسیلو دستکاران بشمار خواهد آمد چنانکه در بند ۶ از ذات ۴۶ اشودگات میفرماید:

«... کسیکه برای هواداران دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواداران دروغ و کسیکه دست کرداران را دوست داشته و بدنامیاری کند در زمره پارسیان بجای خواهد آمد. برای دوری چنین از بدی و دروغ و تبه کاری در ذات ۵۳ یسنا بند ۱۶ اشوزرتشت به سروران خود چنین توصیه میفرماید:

«ای مردان و زنان کوشش کنید... از دروغ که همان زنده گانی نامی و دوسوسه گنج است پرهیز کنید، از پیشرفت ریاضت و فریب جلوگیری ننمایند، پیوند خویش را با دروغ بیکباره بگساید»



بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بختی و بیچارگی دیگران بدست آید غریب و افسوس خیزی
 بار نخواهد آورد و تبه کاران در فرغ پرستانی که در پی تباهی دست کرده اند برستی زندگانی
 معنوی و آرامش روحی خود را از زمین خواهند برد.

موضوعی که در کاتانها بدان اهمیت بسیار داده شده است انسانیت و مردم داری است
 میباشد. اشوزرشت بیشتر بجنبه اخلاقی مردم توجه دارد، او میخواهد همه افراد بشر برادر و کارکنان
 با صلح و صفا و مهر و محبت زندگی کرده و یکدیگر مهربان و رزق او بخواهش بختی را خوب بخت کردن دیگران
 میسازد چنانکه در اشئودکات میفرماید:

«اوشتا اجمانی بهانی اوشتا کمانی چیت» یعنی خوشبختی برای کسی است که دیگران را خوب بخت
 اشوزرشت یاری کردن در ماندهگان و بیچارگان و دستگیری از ناتوانان و مستمندان
 و وظیفه وجدانی هر فردی میداند و پاداش افرادی که بدو نشان بکند مملکت آسمانی و
 نیروی اهورائی مقرر فرموده است.

اشوزرشت توصیه میفرماید برای رسیدن بخداوند بختا و زیارت ديار او تنها بهر دور
 فرزگان اهورائی که بنام اشا سپندان معروفند میسر است که در راس همه اندیشه نیک و
 سالم و منش پاک یعنی دهرمن قرار داد، وقتی انسان مغز خود را از هرگونه انکار ناشایست و پلید
 پاک کرد و اندیشه نیک و خیرخواهی را جایگزین آن ساخت، هنگامیکه بدون حب و بغض و بدون





خودخواهی بسال توجه پیدا کرد و سود و کیان را بر نفع خویش ترجیح داد آنوقت است که فروزه پاکبانی خداگونه در او بوجود آمده است و می‌تواند بر حلقه دوم کمال که آشنایی راستی و پاکی است کام بنهد و در این مرحله باید راستی و درست‌تری را همیشه جلو دید خود قرار دهد از دروغ گفتن سخت پرهیز نماید اگر جان او نیز در خطر باشد نباید از راست گفتن ببرد با پیشرفت در این مرحله به فرزندکان گذشت و انصاف است و جوانمردی، اعدال، میان‌روی، شمامت، مردانگی، خواجهاگری، و بسوی کام خویشش در ای چیرگی بر نفس و خدمت برود کم‌کار و دیگر گنهای خسترا یا شهرپر است دست‌خوار یافت سخت‌ترین مرحله اینجا است که انسان بتواند بر ایصال بهوس و آرزو و خواسته‌های خویش شریاری کند و در آخرین مادم و جهاد با نفس از این مرحله نیز فریز برود آید از آن پس آخرین گامه پستنا آر می‌شود یعنی پاک و فروتنی در بردباری کام خواهد گذاشت در این مرحله شاکر و کاتب انسانیت عشقی پاک بنماید همه بندگان خدا پیدا خواهد کرد و جو داد و از مهر و محبت نسبت به همه افراد بشر لبریز خواهد شد و بر حلقه کمال و ربانی و جاودانی بهادرات و امرات (خرداد و امرداد) خواهد رسید در این مرحله وجودش از فرزندکان خداگونه انباشته خواهد کرد و چون بر تویی از فروغ درخشان اهورائی همه برادران و خواهران نوعی نور محبت و خدمت و ذکاوری خواهد تابا بد چنین شاکردی که مراحل کمال انسانیت را طی کرده است همه بنای شبر را از مهرشاد و ملیت و ذمب چون برادر دوست خواهد داشت و به محبت خواهد ورزید و بر حلقه کمال انسانیت وارد گشته است، او دیگر بوسیله پرورش فرزندکان اهورائی





خداوند شده است، او برای رسیدن بخدا اول بار بدون خویش توجه پیدا کرده سپس بایش درون
باندیشه پاک و بی آرایش با راستی و درستی و حیرگی برهن منجبت همه توانسته است به آبران خویش یعنی
دیدار با خداوند درون نایل گردد.

اشوزرتشت جهان هستی را میدان مبارزه و کشمکش دائم و نیروی ضدین یعنی سپنتمانو و ائمه فر
میداند و میفرماید، این دو گوهر همزاد و همراه در عین حال که با هم مخالف و در ستیزند لازم مگر یکدیگر نیز میباشند.
وجود این دو گوهر با هم آفرینش و هستی را پدید میآوردند مثلاً نیروی مثبت و منفی در عین مخالف بودن با
یکدیگر موجب وجود آمدن برق میگردد. نیروی جاذبه و دافعه موجب ثابت ماندن کرات آسمانی جلای
خود میباشند، نیک و بد و زشت و زیبا بسگی بطرز اندیشه ما دارند آنچه بود است نیک و آنچه زیان
ما باشد آزار بد و نازیا میآریم.

بنابراینموده اشوزرتشت آنچه در انجمن وجود دارد از آفرینش خداوند گنجا میآید و در ذات
خود نیکوست و بنظر خاصی آفریده شده اند مثلاً تریاک ماده ای است هم شفا بخش و مسکن هم کشنده
و مرگ آفرین، اگر مقدار کم آن در مورد دندان درد و یا برای تسکین درد دیگری بکار برده شود بسیار
نافع و نیکوست، ولی اگر برای خودکشی و نابودی مورد استفاده قرار گیرد زهر است کشنده و مرگ آور
و ماده است بسیار مضر و زیان آور، نیک و بد همانطور که قبلاً گفته شد بسگی بطرز تفکر بشر دارد،
«ببابت دیگر نیک و بد و زیبا و زشت از زمانی بوجود میآید که بشر با عنصره وجود میگذارد و نیروی





تخصیص و تمیز او بکار میآید بجز یک در بند سوم از آن است. ۳۰. یسنا آمده است:

«آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند، یکی نیک است و دیگری بدی در اندیشه و کردار، چنانکه از مفاد بند بالا روشن میگردد، دو گوهر سپنتا و انگره میوند گوهر همزادی هستند که در برابر هم قرار گرفته اند و در عالم اندیشه بصورت نیک و بد ظاهر میگرددند اصلاً مفهوم خود میوند اندیشه و منش میباشد که یکی گوهر پاک یا اندیشه فراینده و سازنده است و دیگری گوهر ناپاک یا اندیشه ویرانگر و تباها کننده.

انگره میوند که بعد از در زمان ساسانیان بصورت آخر میوند و اهرمن و اهرمن تفسیر شکل یافته است نمیتواند خالق شر باشد و در برابر او همفرزدا، برهی بخش و انامی بزرگ و چشمه نیکیها قرار گیرد. اهرمن در بنا بشر وجود دارد و بسگی با اندیشه ویرانگر شیطان ضعیفان و دشمنان دارد و همچو چه وجود خارجی ندارد بعبارت دیگر میتوان سپنتا میوند و انگره میوند را بفرشته خوبی و اهرمن صفتی تعبیر کرد که هر دو در خوبی و خصلت اندیشه و نهاد انسان قرار دارد و از او جدا نیست. بنا به آخر بند سوم بات ۳۰. یسنا «و انایان و فرزانگان راه نیک و در دست را بر میگزینند ولی با بگردان چنین نخواهند کرد و بسیار همه خواهند رفت» شخص نادان و کور که رفتار هوای نفس در کج خیالی خود شده و براه خطا خواهد رفت و در نتیجه کارهای ناشایست و غیر انسانی از او سر خواهد زد و رفته رفته در منشی و اهرمن صفتی در او ظهور و بروز خواهد نمود و تحتی خواهد بود از اهرمن انسان بنا، ولی شخص فرزانه و دانشمند راه نیک اختیار خواهد کرد و بر بهوسای نفسانی خویش مهار خواهد زد و با کارهای انسانی و شایسته خود فرشته ای خواهد شد بصورت انسان.





در مورد سوشیالیسم و موعود زمان در کاتانا بگویید :

در هر دوره‌ای از زمان که بیدنی و بی‌ایمانی، افس و فحور، دزدی و دروغ، فساد و جنایت، قتل و غارت، بیداد و ستم، حق‌کشی و زورگویی عرصه را بر مردم تنگ کند در چنین موقعی سوشالیست‌ها نجات‌بخش در حالی بخش ظهور خواهد کرد تا مردم را از بختی و بیچارگی نجات بخشد. سوشالیست‌ها جهان را تازه خواهند کرد و تحولاتی پدید خواهند آورد و داد و انصاف و راستی و درست‌ی و نیکی و خوبی و آشتی و آرامش در جهان مستقر خواهند ساخت. از اینگونه سوشالیست‌ها یا سوسیالیست‌ها در ستمکاری بخش‌ها بار آمده‌اند و با مردم خواهند آمد. سوشالیست‌ها برای پیشبرد جهان بسوی تکامل و رسانی و تازه‌گرداندن آن از لحاظ تحمل و گردنی بود و جامعه را تجدید و نصیبت‌کننده و شیرت‌مردم بسوی آبادانی و کمال انسانیت هر چند وقت یکبار ظهور کرده و میکنند مخصوصاً در مواقع بحرانی که خدمات آنها بسیار چشم‌گیر خواهد بود.

در کاتانا در روح یا دروغ را در تمام گمانان و نجی‌ها دانسته و در کونست یا در دیدنی هواخواه دروغ و دروغ‌گوار دشمن دین را استین مزدینا خوانده و از آن بیدی یا میکنند. دیوسینا یا هواخوانان خدایان پنداری و دروغین در برابر مزدینان یا پرتندگان مزدی، خداوندی‌ها بارها تهم‌علم کرده و سده‌ها شیرت‌اشوزتشت در ارشاد مردم بسوی یکجا پرستی شده‌اند.

روسا و کابنان دیوسینا بنام گویان و کرپان او بخش مزاحمت‌های بسیاری برای پیغمبر وجود آورده و در بدو روز و صخره‌ساختن مردم کوشش نمایند که گاهی اشوزتشت از کندی شیرت کار خویش به تیره‌ساید و زبان بگویند و بیگانه‌





هیچگاه در ایام او نسبت به امروزه از خلی و اردنی کرده. گمانا نشان میدهند چنانچه دستور بزرگ صبر و یکسانی پس از تلاش و کوشش بسیار و مواجه شدن با ناکامیها و زخم زبان ماسر انجام در همین سال ناموریت خویش موفق شود پس عمومی خویش میدوید ماه و چند تن از خویشان نزدیک خود را بین همی در آورد و دو سال بعد چون پیغمبر در غرب ایران نفیختی بست نمی آورد بسوی شرق بلخ روی آورد و شتاب شاهشاه زورمند کیانی را پس از بحث و مناظره های طولانی با دشمنان در بار کیش خود دریا آورد و با او جاماب و فرشتی که از وزرا و افراد بسیار سرشناس فرزانه کشور اندین همی را قبول و با کمک آنها کیش زرتشتی مزدیسنی در جهان رو بترسش میرد.

در گمانا از کتاب فرشتی و جاماب و میدیو ماه بعنوان ایران بسیار با فوایدترین است.
 زرتشت نامبرده شده اند. دستور بزرگ نامبردگان را از اعضای برجسته انجمن معنای انجمن برادری و آزادی می شمارد. اعضای این انجمن بنام منغ یا مکت یعنی بزرگی و بزرگواری و فرزانی معروف بود و افرادی از هر صفاط بزرگواری، آراده و فرزانه بهار می آمدند، ریاست این انجمن با خود زرتشت بود.
 نکته مورد توجه دیگر در گمانا است که اشور زرتشت بیشتر روی سخنش با دانیان و بزرگان است تا کید دارد که تنها این گروه پیام او را بشنوند و دیگران برسانند زیرا دستور پاک نیک میداند که انجمن نادان و کور دل قادر به درک زرفای پیام راستین او نبوده و نخواهند توانست برابر آن رفتار نمایند و بیشتر تابع احساسات خود قرار خواهند گرفت.





گرچه پسر در ساندن پیام خود بطبقه روشنگر و دانشمند و نابینا بیشتر توجه دارد ولی مکرر توصیه می‌کند که فرزندانش
و فرزانش باید جاهلان و ناخردان دانش بیاموزند و در شناخت راه از چاه آناز یاری نمانند چنانکه
در بند ۱۷ از باب ۲۱ اینودکات میفرماید :

« ... دانا باید بادانش خویش نادان آگاه سازد انشا که ناخرد و گمراه مانده »

اشوررتشت پس از یک عمر تلاش و کوشش و انجام مأموریت ارشاد و در بربری مردم جهان بوسه
راستی و تبحر پرستی سرانجام بنابه بند اول و هشتم اینودکات همه خواسته‌هایش به تیرنجی برآورده
شده و از یک زندگانی نسبتاً طلالی و سراپا پارسانی و خوش و خرم برخوردار گردیده حتی کسیانکه
با دشمنی داشتند و اذیت و آزارش میکردند تغییر رویه داده و حاضر شدند نتحان حکمت بار و اندیشه
را تخمیزش را بگوش هوش بشنوند و باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از آئین همی پیروی کنند .
چنین بود زندگانی سراپا کوشش و تلاش و حضور بزرگ ایران پیام آسمانی او .
امید است علاقمندان بختار و پیام اشوررتشت بفارسی روانی که از تمام نخبه‌های کاتبان
رده شده است بهره نیک گیرند و در زندگانی بکار برند .

در پایان لازم میدانم نظرات روان‌شان و دکتر ایرج تاراپور و الا استاد و عالیقدر خویش و
نیز پر وفور سید انگلیسی را در مورد سرودهای آسمانی زرشت برای اطلاع خوانندگان محترم در زیر یاد
دکتر تاراپور و الا در مقدمه برگاتانهای خود میسنوید :





« تنها کسی که بر از درون خود پی برده و با کوشش سختی ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه پلیدی و اندیشه های ناشایست طریق روحانی را طی کرده اند می توانند بزرگ گنهار و مغناهم درونی سخنان پمیران بزرگ نائل آیند. بنیان گذاران او یان و سرانیده گاتا تا با از روی خرد و دانش بسیط و پرزرب سخنانی پر از حکمت و فلسفه ایراد کرده اند. گنهار این نوابغ جهان را می توان « جا بلانده را کردن تیری در تاریکی دانست » و یا آزا با صرفهای نامفهوم شیرخواری تشبیه کرد؛ بلکه باید سخنان زبور را تراوشات کلری شخصیت های نامدار و دانشندان سرگی دانست که در جبهه کمال رسیده از سوی خداوند یکتا به آنها الهام شده است. پایسبران بزرگ حقایق آموزش های خود را به شاگردان و پیروان اولیه خود تعلیم دادند و نسلهای بعدی سوختند آن طر که باید و شاید گنهار پمیران خود را درک کنند بنا بر این رفته رفته موهوم و مخوف افغان که زاینده جبل و نادانی است آموزشهای حکیمانانه آن را در مردان بزرگ و نجات دهندگان بشر را می شنو در پشان ساخت ».

« تاریخ کلمه مذاهب نشان میدهد که بنیادگذار یک مذهب همیشه گنهارش از روی دانش و حکمت و نبش و بصیرت بوده الهامی از جانب خداوند یکتا است و خود بنیان گذار دارای شخصیت ممتاز و مافوق بشر عادی بوده و یا یک بر مردی باشد. مزید آن و پیروان اولیه نیز که همزمان با پمیر بوده و یا چند سالی بعد از او آمده اند از لحاظ فهم و ادراک و بصیرت بموضوعهای مذہبی و بحثهای اخلاقی نسبت به اشخاص متوسط و عادی بسیار برتری داشتند ولی تا آنجا که با گذشت زمان موهوم





و خرافات و روشناسی ناپسند وارد آیین پاک و بی آلائش بنیامگذار آن گردید و بر وزمان طای
تعالیم هوولی پمیر را گرفت»

از بین اوستا شناسان غرب استا پر فوسرینگر انگلیسی نظراتی بسیار زیبا و خردمندانه
در باره کاتاها و متون آن دارد که در مقدمه کاتاها می خود آورده در زیر قسمتی از آن را نقل می نماید :
« گفته امی که در سوره های آسمانی کاتاها بیشتر از هر چیز دیگر توجه را بخود جلب میکند آنست که
تمام قدرت و بهت پروردگار توانائی است بنام اهورا مزدا. نامبرده دارای شش فرزند یا پوتوسی است
بنام اشاسپندان یا جاویدانهای مقدس، آتش مظهر پاکی و قدرت خداوند و سرش مظهر فرمانبردار
از او امر آئی نیز مانند اشاسپندان تجسم یافته است و در کاتاها مورد احترام و اهمیت میباشند.
ضمناً از دو نیرو یا دو مینو بنام سئتا و اکره صحبت شده است که لازم و ملزوم یکدیگر بوده و
با اتحاد یکدیگر خیر و شر را در جهان هستی بوجود آورده و در نتیجه موجب مکافات و مجازات شده اند.
حقیقت آنست که بهشت و دوزخ بصورتی که مردمان روشنگر امروزی با آن آشنائی دارند
و جنبه معنویت دارد برای اولین بار در کاتاها ذکر شده است».

• بشرایان دراز مانند طفل از ترس و حشت دوزخ و پنج و خدایهای گوناگون پس از مرگ بخود
بیلزید و از لذایذ و نعماتی که در بهشت برخوردار خواهد شد شادی مینمود و صورتیکه زرتشت در روزگار
بسیار کهن این حقیقت را آشکار ساخت؛ که پادشاهت و مجازات دوزخ امری درونی و معنوی است





و بهشت و دوزخ همان راحتی اندیشه و آسایش وجدان و ناراحتی نکردن فدا بندگان باشد،
آموزش این نکته در تغییر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار مؤثر بود.»

پروفسور سیلز اضافه میکند «در گاتانا برای راهبانی نیکوکاران پرویی از دستور مآثره،
کلام مقدس و پرورش اشا پسندان پرتوهای خداوندی تأکید شده است. در صورتیکه با پیشان
وسیه دلان را در گاتانا می بینیم از سوسه های اکومن یا اهرمین همراه گردیده و بر شکاری و شکاری
خود مشغولند بطوریکه روان آفرینش از شکرهای آنها بستوه آمده و بدرگاه اهورا پناه میرد، گوش
مردمان در ستکار و با تقوی برای تأمین زندگی از راه مشروع با مخالفت دیو پرستان که سعی دارند
عیسای غم مزو پرستان بر کشور ایران کفرمانی داشته باشند مواجه میگردد. سرانجام با درخواست مردان آفرینش
آشوزشت برای ارشاد و نجات مردم تعیین نوید داده میشود. از آن بعد بیک سلسله نیایش و آسایش
و درخواست و موعظه و اندرز بر میخوریم.»

تشت
«در خلال گاتانا با بجهنمای خونین و حمله دشمنان تکیا پرستی بر میخوریم ولی سخن کلام زشت
و سپاسگزاری او بدرگاه اهورا در کین سکنیم که پیر بر نصیحت شایانی بدست آورده در امر ارتقا می ذکر کرده است
اما راجع با سیکه زشت که بود در کجا زندگی میکرد و چه موقع از ما در زانیده شد و فیروز چینی میگوید:
«زشت یک شخصیت تاریخی است و در وجود او، هیچگونه تردیدی نمیتوان داشت. در مورد
اینکه سرودهای مقدس گاتانا بزشت و نزدیکانش نسبت داده شده است برای من شک نیست ابهامی





وجود ندارد. گرچه امکان دارد استثنائی از گاتاها بعد از او و سرودهای آسمانی زرتشت شده باشد. بهمهذا بطور کلی مضامین گاتاها یکپارچه بوده و حتی عبارات و جملاتی که بعد از این کتاب آسمانی منجز شده باشد با مضمون و مفاد اصلی گاتاها شباهت کامل دارد و از لحاظ ظاهر کلام نیز با آن منافی ندارد.

علتی ندارد که نام زرتشت بعنوان محبوبترین و عزیزترین نام برای بشر باقی مانده باشد مگر اینکه صاحب این نام دارای چنان شخصیت برجسته‌ای باشد که شاهنشاه با قدرتی چون کشتاب با تمام افراد قلمرو خویش مجذوب بیانات شیوا و اندرزهای حکیمانه خود کرده باشد. در گاتاها مواردی هست که بطور واضح سرسایده این سرود را نشان میدهد. مثلاً در بند ششم از نجات «هینا» نشتنگات آمده است که: ای بومرزد! بگذار یکصدای خود را با سرساییدن کلام مقدس بلند کرده است و او زرتشت دوست فادارتوست از روی راستی دستورهای الهی را ب مردم جهان بلانخ و آنها را ارشاد نماید» و باز در اینمورد ادامه میدهد:

«سراسر گاتاها از لحاظ قافیه و اوزان شعری و استعارات و اصطلاحات و عبارات یکجوا و یکپارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و تراوشات فکری کنفر بطور مستقیم یا غیر مستقیم مویز است. حال اگر فرض کنیم زرتشت سرسایده گاتاها نیست پس شخص بی نام دیگری که اندیشه روح و قلب و ضمیرش در راه اشاعه و انتشار مذہب یثا پرستی صرف گشته است باید این مهم را انجام داده باشد. اهمیت زرتشت را میتوان در اقدامات شخصی سمیر دانست. گرچه نام و یشتاب فرشتتر





و جاماب هم درگاتا ذکر شده است ولی نمیتوان سخنان کتاب آسمانی را از آنها دانست زیرا سرانیده
سرودهای آسمانی از لحاظ شخصیت و تفکر براتب از آنها برتر بود.

« چیزی که روشن است اینکه در سراسر آیات این کتاب آسمانی روح کیفی تنظیم کننده و در
روحیه شاکر دهنش احساسات کین است تا تجلی و تظا بر میکند.

« راجح خصوصیات ویژه این آموزگار بشری با تعالیم ارزنده است که در کتاب گاتا با گنجینه
شده است. در هیچ عصر و زمان در هیچ جای جهان تا آنجا که مدارک و شواهد در دست نشان میدهد
شخصی وجود نداشته است که چنین اندیشمندان و پر مغز سخن گوید. گرچه امروز برخی از جهان افکار بلند
جنبه فلسفه های مذهبی و اخلاقی پیدا کرده است ولی تا آن زمان هنوز چنین اندیشه های شگرف و
سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.

« طرز تفکر و بیان شیوا می همیر کا ملا و ترکی داشت. در هر یک از دوازه تا و عبارات و
نوشته های اندیشه ای شرف و پر مغز منقته است. مہارت و استاد ی او در بیان حقایق عرفانی
بی نظیر است، اندیشه بلند و شگرف او در تبیین بخشیدن بفرودگان ویژه پروردگار بصورت
اشا پسندان که پرورش آنها موجب تزکیه روح و دستگیری بشر میگردد چنان استادانه بیان شده است
که دانشمندان عالیقدر امروزی از درک اینکه اشا و هومن بصورت فرشتگان و اشا پسندان تجسم
یافته و یا اینکه اندیشه و اراده خیرخواهانه پروردگار است که در انسان تجلی پیدا کرده است عاجز میباشند...





« ارزش اندیشه و گفتار پیرایه باستان را باید از نقطه نظر زمان و مکان سنجید بدون توجه باین
 دو عامل هم دوری صحیح در مورد زرتشت امکان ندارد. به نسکایکه خوانده کاتانا بزبان بسیار کم
 که این سرود های مقدس سرسایده شده و بدین نسبتاً ابتدائی عصر می اندیشد از بیان چکای پیغمبر ایران
 ناکزیر زبان بچین و تمجید میگوید .

« راجح با احساسات شخصی زرتشت میتوان گفت از نسبت باهور فرزند ایمانی ظل نا پذیر و استوار
 دشت و با دشمن میوزید . واژه زرزدا یعنی Zaradaiti که دارای مفهوم خلوص نسبت صفا
 باطن است در مورد پیر ایران مصداق دارد. از مفاد کاتانا میدانیم که اشور زرتشت شخص باشامتی بوده
 ولی از جنگ و خونریزی پرهیز داشته است . در مقابل سختی او و ناهمسوارها خود داری زیاد می نمود ولی
 برای فیروز شدن بر دشوارها ایستادگی و سر سختی نشان میداد .

« در کاتانا همه چیز جدی و واقعی است ، روح آفرینش بطورش اعترافه در حال استغاثه است و با هر
 و ماشا پسندان را در حال صحبت کردن و گوش دادن دیدن می یابیم ... همه چیز در کاتانا عملی است ،
 گزرها ، بندو ، گویان و گرپان و او سخیش ، دشمنان زرتشت غولهای افسانه ای نیستند . هیچ مار و اژدها
 مردم شهر و روستا را تهدید نمی کند و هیچ پهلوان افسانه ای از مردم حمایت نمی کند . زرتشت فرستار
 جاماسپ ، میدیوایه ، اسپنتمان ، نووگوو ، سیچد مپ از شخصیت های واقعی هستند که بطور ساده
 و بی تکلف از آنها نام برده شده است بجز الهام و وحی آسمانی که در اثر اندیشه و فکر عمیق بزرتشت





میدهد. در کاتانایا از مجزات و کرامات خبری نیست، فعالیت انسان در اطراف تلاش و کوشش و غیره
طبیعی برای رستین و نج بودن دورنیزند، کجغرافیا و ستاسان چنانچه اول کاتانایا را خوب مطالعه نماید و بعداً
بیشتر داده نماید به پروردار، در واقع میتوان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت به سرزمین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت
« در کاتانایا پایسبری را می‌بینید که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است، در صورتیکه در ششها
همین سخن را بصورت نیمه‌خدای افسانه‌ای مشاهده میکنید، هر چند افکار هوولی افسانه‌ای ششها و نذیاد
کمن بوده و برخی از آنها ستانایا در گیت دیدهند و نایز کمن تر می‌باشد ولی بطور کلی زمان
تدوین شش داده و نذیاد بسیار متأخرتر از کاتانایا میباشد.

« من (میلز) تصور میکنم کاتانایا کشته از سایر قسمتهای اوستاسور و دستبرد قرار گرفته است و چنانچه
عبارات و جملاتی از خارج در آنها گنجانده شده باشد یا از روزگار ان کمن بوده و با شباهت بسیار زیاد
با اصل متن داشته‌است، آن قسمت از کاتانایا را که بعداً در متن اصلی گنجانده اند با احتمال قوی کارشکاران
اولیه زرتشت میباشد که همان روحیه و ایمان اخلاص استاد را در نوشته‌های خود حفظ کرده‌اند».

پروفسور میلز در پایان مقدمه خویش بر کاتانایا می‌نویسد:

« گاهی برخی از دوستانم می‌پرسند چه چیز باعث شد که به آئین زرتشت و مطالعه کاتانایا روی آورده‌ام
در پاسخ باید بگویم من در سنین جوانی اشتیاق فراوانی بمطالعه و تحقیق در رشته عرفان و تخصص در این علم
داشتم. در سال ۱۸۷۲ میلادی که به اردو پا آوردم این رشته را دنبال کردم. بعد عاشق و شیفته فلسفه





کانت شدم و مدت‌ها نینس روی این فلسفه کار کردم ولی سرانجام برای پیدا کردن بیدار و اصل عرفان بزبان
زند و اوستا روی آوردم و فهمیدم که تمام این رشته ها مانند دانه های زنجیر بهم تنگلی و ارتباط دارند
و انسان را بر حسب حقیقت و حقیقتی را بنام می کنند»

پیش گفتار خود را با سخنان نغز استاد پر فو و سیر استاد شناس انگلیسی دارستر فانسوی پان منضم
«برگناه برای تاریخ انکار بشر ارزشی قایل کردیم باید گفت استقامت منی را در این تاریخ
تخصیص خواهد کرد»

«اوستا نه فقط کمترین اثر جادو دانی از افکار آریائی را با ما ارائه میدهد بلکه از نظر تأثیر عمیق
و وسیعی که در ادیان یهودی و مسیحی داشته است مقام مؤثری در توسعه مذہب و سر نوشت بشر کسب
کرده است.» (میلر)

«کم درآمدترین در مانده ترین فرد در تشریح خود را سر بازی میداند که باید برای فیروز می راستی برود
و یکی بر بدی مبارزه کند، هیچ مذہب دیگری نمیتوانست در یک فرد احساسی بوجود آورد که اینقدر نسبت به
زندگی خوشبین باشد و برای زندگی ارزش قایل گردد و آزاد دست داشته باشد، کسی که طمیان دارد
در پر تومی و کوشش بر مشکلات زندگی چیره خواهد گردید، ستم سگت در اندیشه او راه نخواهد یافت و همین امر
باعث شده است که زرتشتیان پس از گذشت طوفان های سنگین و بلا یایی خانمانوز هسنوز پای جا
مانده در هندوستان از همه پیشرفته تر و در جهان ترقی پیشام تر از همه روبروی فروغ و روشنائی با





با کاروان تمدن همگام بجلوسیتمازد»، «دارمتر»
 امید است خوانندگان علاقمند بپوشه زرتشتیان از گفتارهای نغز و پراگمات استوار
 درس زندگی و انسانیت بیاموزند و آموزشهایش را در زندگی بکار برند تا هم در جهان کامروا هم در
 عقبی رستگار گردند.

در پایان لازم میدانم از زار و مرد خیر اندیش و وارسته‌ای که هزینه چاپ این کتاب را
 تقبل فرموده و حاضر باشی نام خود نباشد سپاسگزاری کرده و دیر زبوی و بهر زبوی شاد زبوی
 فیروزی او و خانواده ارجمندشان را از تخیل امیرای توانا خواستار گروم.

روز سه‌شنبه و امرداد ماه ۱۳۵۰ یزدگردی

برابر با ۳۱ / ۵ / ۱۳۶۰ خورشیدی

مؤبد فیروز ادرگش





سرآغاز آهنگان بیت ۲۸

سراسر اندیشه و گفتار و کردار اشوزرتشت الهامی است از سوی خداوندیجا که انسان را
بسوی رسائی و خوشبختی راهنمایی میکند «پاکان جاودان» «پرتوهای ابهرائی»، «سرودهای مقدس
کاتا» را فریاد پذیرید و با نماند ایمان داشته باشید .

ای کاتا های مقدس با کمال احترام بشمار و دستگیرم

بند ۱

پیش از هر چیزی ای دانای بزرگ نیکی من برای منوی ، بادستهای برادر داشته ترا مبارک
و خوشبختی کامل را خواستارم ، پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی و بر خرداری از خود و دانش
و ضمیر پاک روان آفرینش را خوشنود سازم .

بند ۲

ای هستی بخش دانای بزرگ هر آینه با اندیشه ای پاک دلی روشن تو نزدیک شده و بدیدار
نایل جو احم شد . پروردگارا پاداشی که تنها در پرتو راستی بدست یساید و نمونین را خوشبخت میازد
در هر دو جهان مادی و معنوی مبارزانی دار .

بند ۳

ای هستی بخش دانا ، ای آشا و ای دهنمن د مظهر راستی و پاکی و اندیشه نیک و مهرورز





«هنودکات - ات ۲۸»

مردم، سرودائی میسریم که کسی پیش از این نسروده است .
 آرزو دارم بوسیدہ آشا، و ہونمن خوشترای فانا پذیر (مظہر قدرت ارادہ خداوند)
 حس ایمان و فداکاری دست بجان افزایش یابد . پروردگار ادرخواست مارا بپذیرد بویمان
 روی آورد و با خوشبختی ارزانی دار .

بند ۴

در پروانڈیشہ پاک روم را ہوی فردوس رہبری خواہم کردہ با آگاہی از پاداشی کہ حسدای
 ہستی بخش دانا برای کارہای نیک مقرر فرمودہ است کوشش خواہم کردہ تا آنجا کہ مراتب و توان است
 مردم را با آموزش کہ برہستی گرایند و دستی مپشہ سازند .

بند ۵

ای آشا، مظہر راستی و پاک، کی بزیارت تو نایل خواہم شد؟ ای و ہونمن مظہر اندیشہ نیک،
 آیا بادش آگہی و خرد واقعی ترا خواہم ساخت؟ آیا با فرمانبرداری از ذای وجدان
 فرمان اہورانی ہوی ہستی بخش دانا و توانا را خواہم یافت؟ بشود کہ در پروکلام مقدس بنایرہ
 بیان گمراہان را بہ برترین راہ کہ ہما را راہ راستی و نجات پرستی است رہبری کنم .

بند ۶

پروردگار اچانکہ در گفتار آسانی نوید دادہ شدہ است در پروانڈیشہ پاک و راستی ہوی





۱۰ بندگات - ات ۲۸

آسی و مارا از بخشایش دیر زوی بر خوردار ساز ، ای هستی بخش دانا بزرتشت و همه دوستان او
نیردی معنوی و شادمانی بخش تا بر کینه دشمنان خود چیره گردند

بند ۷

ای آشا آن بخشایشی که ثمره اندیشه پاک است با ارزانی دار ، ای آرمیتی آرزوی بخش
و سپردان مارا بر آورده ساز ، ای خداوند خرد و با بندگان خدا کار نیر بخش تا فرمان بهدست ترا بجانیا
بصمانیم .

بند ۸

ای هستی بخش ، ای برتر از همه و با بهترین راستی هم اراده ، از تو قلنا آرزو دارم که به
فرشوستر نامدار و یارانم و همچنین بجانی که از بخشش جاودانی و نیک اندیشی برخوردارند بهشت
ارزانی داری .

بند ۹

ای اهورامزدا ، هسواره کوشش میکنم سرودهای ستایش خود را صمیمانه نیازت کنم
و همچگاه آشا و وهرمن (مطاهرپاکی و نیک منشی ، راجنشم نیاروم زیرا آشا ، وهرمن و خشترا ای
توانا اسن او ار ستایش میدانم ۱۰۰)

۱- آشا ، وهرمن و خشترا ، پر تو های سنگانه اهورامزدا میباشد که عبارتند از راستی ، نیک اندیشی و محبت بهمنوع
و خدمت بردم با شریاری برض که سزاوار ستایش میباشد زیرا اینها نوزگان جلوه آئی هستند از خود اهورا .





بند ۱۰

ای هستی بخش دانا، هر آینه آرزوی کسانی را که در پر تو راستی و اندیشه پاک از نظر تو روشن
و در شکر و ارشاد شناخته شده اند بر آورده ساز، چه برستی مید انم تائیس ای خالصانه دلی یی بندگان
تو که دارای بدنی عالی و نیک اند بلا اثر دلی نتیجی نخواهد ماند.

بند ۱۱

بشود که با این نیایش همیشه از نعمت راستی و اندیشه پاک برخوردار گردم. ای آفریننده
بزرگ دانا از راه حسد و بغض و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل بمن بیاور به حقیقت را
بر دم جهان آشکار سازم.

«ایزدهکات» یسانات ۲۶ - بند ۱

پروردگارا روان آفرینش بدرگاه تو بگذرند است برای چه مرا بیا فریدی؟ چه کسی مرا کالبد
هستی بخشید؟ چشم و تیز و چپاول و غارت و گستاخی و تجاوز همه جار منم اگر توه، مرا بفر تو پشت
و پناهی نیت بنا بر این نجات بخشی که توانم از این تخنارانی بختد بمن نشان ده.

بند ۲

آنگاه آفریننده جهان د اهورا مزدا، از آتشا پرسید چه کسی رهبر و نجات دهنده مردم
جهان خواهد بود تا ما تو انیم پشتیبان و یاد و رش باشیم و بد او نیروی آباد کردن جهان گسترش راستی

۱۱. نظر راستی پاک، تقوی و پارسائی، گذشته و خداکاری شهادت مردانگی و داد و انصاف، نظم بهیست، اسان دادن



«انودکات - ۱۰۲۹»

بخشیم. اسی آشا آیا چه کسی را مایلی بعنوان سردار و بر سر مردم جهان برگزینی تا بتو امد سپاه بداد
دگر امان را در بهم گنجد چشم و نفرت را دور سازد.

بند ۳

آشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد، آن سردار و بر سری که برای جهانیان برگزیده شود مستلماً
بیدار گردد هم شیه نیست بلکه شخصی بی آزار و مهربان است. از زمین کسانیکه در این جهان
خاکی زندگی میکنند گرچه کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در مقابل تبه کاران حفظ کند ولی
قطعاً او باید نیکو و سادترین فرد در میان مردم باشد تا بدخواست او بیاریش شتابیم.

بند ۴

بیجان اهورامزدا بهتر از همه آگاه است که در گذشته چه کارهایی بوسیله بت پرستان بود امان
آنها سر زده و در آینده چه کارهایی بوسیله آنها انجام خواهد شد چون داوری این کار تنها با اهورامزدا است
بنابراین آنچه خواست اوست با امان خوشنودیم.

بند ۵

ای دیون من در روان آفرینش برود با احترام و دستهای برافراشته اهورامزدا را تسلیش کرده از
او خواستاریم که هرگز ب نیکوکاران پارسایان بر سر آنها گزندی نرسد از خود دشمنان بدکاران امان باشند





«ابن‌الکاتب ۱۰۲۶»

بند ۶

آنگاه ابورامزدای دانا که با دانش خویش نیروی حیات می‌بخشد چنین گفت:

آیا کثیر سرور و نیوی شایسته و یا یک رهبر و نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و پرستشکاری

باشد نمی‌شناسی؟

آیا چنین نیست که آفریدگار ترا بعنوان پاسبان و نگهبان آفرینش برگزیده و مویّت چهار اربابو بخشید؟

بند ۷

«ابورامزدا به سخنان خود چنین ادامه میدهد:»

این سرور و مقدّس جو ششختی افزای (یعنی ابونور) از هستی بخش مطلق است که اراده اش با اش

کیان است و پروردگار پاک آنرا برای مشیّت جهان و سعادت مردمان درست کرد و از نازل فرموده است.

دیس از کمی گشت ابورامزدا باز به سخنان خود ادامه داده میفرماید:

ای و هو من، کیست آن نجات دهنده‌ای که تو در نظرداری و می‌تواند مردمان را یاری کند و آنها را

از گمراهی نجات بخشد.

بند ۸

ابورامزدا می‌فرماید:

چگونه کسی که بدستورات الهی کوشش فرواد و بن و را خوب می‌شناسم همانا زشت پندمان است.

۲۲





تفاوت که خواستار آموزش آئین راستی و سرودهای تائیس مزداست با براین باو شیوالی
بیان خواهیم بخشید .

بند ۹

آنگاه روان آفریش با بگت بند گوید : آیین باید بدون چون چرا پستی تانی شخص تا توان
قبول کرده و بنجان او گوش دهم ؟ راستی مرا آرزوی شهریار نیر و مند و توانائی بود . آیا چه وقت
چنین شخصی برای یاریم با خواهد خواست و با بازوان نیر و مند خود مرا حمایت خواهد کرد .

بند ۱۰

ای اهورا مزدا و ای آشا به اینها (زرشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانائی بخشید
ای و هوسن تو نیز به زرشت آن را (یعنی نیروی اندیشه و هوش و خرد سرشار) ارزانی داراد
پرو آن بجهت بیان آرامش و آسایش بخشید - ای دانای بزرگ ما همه او را برگزیده ترین آفریش
و شایسته ترین فرزند تو دانسته و بر بهری خویش می پذیریم .

بند ۱۱

روان آفریش بنجان خود ادا رسید بد :
آشا، و هوسن و خسترا چه وقت با روی خواهند آورد؟ کی ای مزد آئین ترا نخبم بزرگ معان
خواهند پذیرفت . ای هستی بخش اینک که برای ما یار و مدد کار رسیده است ما هم آماده ننگداری هستیم .





توضیح

آشا، دُهوْمَن دَخترا بترتیب مطا هر راستی و پاکی، اندیشه پاک و عقل دُخرد
 و نیروی خدمت بخلق کجک به مشیرفت و آبادانی و شهریاری برهوامی نفس است،
 روان آفرینش میگوید: پروردگار ما را از فرزندگان دُیره نامبرده برخوردار سازد.
 ضمناً منظور از انجمن بزرگ مغان، انجمنی است که از زرتشت دیاران و دارا و پیش
 شده است و یا عبارت دیگر استه اولیه ای است که دکترش آئین نوین
 یعنی کیش زرتشت کجک شایانی نمود.

باید در نظر داشت که این نامت بصورت نایشی برگزاشده است که نقش مهم آن را
 روان آفرینش یا نماینده مردم جهان بازی میکند و آشا و دُهوْمَن (آشاسپندان)،
 و خود اهورامزدا برای نجات بشر از انیمه ظلم و پستم پس از یک رشته پرسش و
 پاسخ اشوزرتشت را شایسته ترین فرد برای این ماموریت دانسته و او را بعداً
 رهبر برای ارشاد مردم برمیگزینند.





بند ۷

«ابنودکات. ات ۳۰»

کسی که از نیروی معنوی و منش نیک و راستی و پاکی برخوردار باشد و آرزوی باعش دایان
جالبه و پاداری و استواری بنجد بگمان چنین شخصی در آزمائش سخت زندگی فیروز گردیده و در فرقه
بندگان نیک تو ای پروردگار محبوب خواهد شد.

بند ۸

همگامیکه بزرگکاران بکفر گمانان خود رسند آنگاه ای خداوند جان و خرد در پرتو انیسه
پاک قدرت ترا درک کرده و این حقیقت را خواهند آموخت که چگونه باید در برانداختن دروغ و
کژمی و گمان بفریوزی راستی و پاکی کوشش کرد.

بند ۹

پروردگار ایشود که مانند کسانی که حجب ان را بسوی تکامل آبادی پیش می برد از بندگان
و فادار تو باشیم. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ بشود که در پرتو در راستی پاکی
از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم ندیده طلب یا چپا چه تو تو چه پیدا کند.

بند ۱۰

زمانی که بجهان دروغ سکنت و تباهی فرارسد آرزوی متبلی کسانی که خوشنامی یکنی
معروفند برآورده شده و از نعمت سرای خوش نیک منشی و راستی بارگاه پر فروغ نزا (یعنی شبت)
برخوردار خواهند گردید.





«هنودکات - ات ۳۰» بند ۱۱

ای مردم هرگاه غنچه شادی و بویج را که حسد او ز خرد مقرر فرموده است
 بیا موزید و در یابید که در و غلگویان و تبه کاران کجمنه دیر پا و چار و
 دست کرداران پاکان از سود بی پایان خوشبختی بهره در خواهند کرد
 آنگاه در پرو این صل نجر پسندی حقیقی در تجارتی نایل خواهید شد.





«ابودکات» بات ۳۱ یسنا بند ۱

ای جویندگان دانش! اکنون آموزش و پیامی را که تا بحال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانی که از روی تعالیم نادرست و (دوسه های شیطانی) جهان نیکی را تابه سازند ناگوار می باشد، ولی برای دلدادگان فرزندان، خوشایند و دوستی محبت است.

بند ۲

چون دوسه های شیطانی مانع از آنست که راه بهتر را آشکارا دیده و برگزینید ببارین خداوند جان و خرد مرا برای رهسپری شما برگزید تا زندگی کردن برابر آئین راستی بر دو گروه نجان و بدان بیاورم.

بند ۳

پروردگارا در پر تو فروغ مینسوی با چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادتنی که در پر تو راستی پاکتی بدست یاید و همه وعده شده کلام است؟ در مورد و انایان چه فرمانی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با مختار الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم با من راستی ارشاد کنم

بند ۴

ای خداوند خرد و ای امانت سپندان لطف و عنایت خویش را از ما دریغ مدارید تا در پر تو

۱) دلدادگان فرزندان هستند که به خداوند احسان میورزند و ایمانی صادقانه دارند.





«ایهذکات: ۲۱»

فروزگان راستی و پاکی، عشق بی آلاین و فروتنی و اندیشه پاک و نیروی مسنوی کب کرد
و با پرورش آن برهواخوانان دروغ فیروز کردیم

بند ۵

پروردگارا برابر بر آئین راستی راهی را که بتر است بمن نشان ده تا آرا برگزینم، در پرو
اندیشه پاک مرا از پاداشی که بخوردار خواهم شد آگاه ساز تا احساس شادی و سرور کنم.
ای خداوند جان و خرد مرا از هر سه چیز آگاه ساز، خواه آنچه روی داده یا آندیده رخ خواهد داد

بند ۶

دانی که آئین راستی را گسترش دهد و مردم را از پیام مقدسی که آنها را برسانی جاودا
و حقیقت برهنون است آگاه سازد از بهترین خوشبختی برخوردار خواهد شد.
چنین شخصی بجان از نیروی اهورانی که در تو منیش پاک افزایش می یابد بهره مند خواهد گردید.

بند ۷

اوست نخستین اندیشه گرمی که با نور خود افلاک را در حاشا ساخت و با نیروی خویش فانی
راستی یا فرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای خداوند جان و خرد ای کسیکه
همیشه در همه حال بکیانی با روح مقدست فروغ ایمان، را در قلب ما برافروز





« این دو گات . ۲۱ »

بند ۸

ای خداوند جان و خرد ، بس گامیکه در اندیشه خود ترا سسه آغاز و سر انجام هستی شناختم
آنگاه با دیده دل در یافتم که تویی سر چشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اور دادگری که
کردار مردمان جهان را داری کنی .

بند ۹

از آن توست آرمی ، از توست حسه و منوی جهان آفرین ، ای خداوند جان و خرد
تو بهندگان خویش نیروی اختیار راه نیک و بخشیدی تا اینکه راهی برگزیند که راهها بد آن
گرویده و یا آنکه ره بر غیر واقعی نشان داده است . دبابت دیگر بسوی راستی در بر حقیقی گریزند
یا بسوی دروغ در بر غیر واقعی روی آورند .

بند ۱۰

انسان باید از زمین این دو سروری راست کردار و پارسا و آفریننده منش پاک را بنوا
پشتیبان در برهه واقعی برای خویش برگزیند . پروردگار را با در برهه فریبکار با ظاهر بسایکی همچو
از حافظه ای نیرومند بهره ور گردد .

بند ۱۱

ای خداوند خرد و حکامی که در روز ازل جسم جان آفریدی از منش خویش نیروی آفریننده





«بندگات - ات ۳۱»

و خرد بخشیدی، زمانی که متن خاکی روان دیدی و به انسان نیروی کار کردن سخن گفتن؛
به سری کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه خود و با کمال آزادی گش خود را بگزیند.

بند ۱۲

همان گاه چه در و علو و در استکلو و چه دانا و نادان هر یک عقیده ای را که در دل آید
دارد آشکار خواهد ساخت و هر جا تردید و دودلی وجود داشته باشد آرمی می و مظهر ایمان
و خداکاری به حکم روان شتافته و او را راهنمایی خواهد نمود.

بند ۱۳

پروردگارا تو از (اندیشه و کردار) آشکار و نهان همه (آگاهی) ده، همچنین آن کسی که
برای درناتی، از خطای کوچک سخت ترین کیفر تن در دهد با خبری. پروردگارا تو همه چیز را
با دیدگان روشن من برابر قانون اشیاء بقا مراقبت کرده و می بینی.

بند ۱۴

ای هستی بخش برای آگاهی از تومی پرسم چه رویداد ما در گذشته رخ داده و در آینده
پیش خواهد آمد، ای مزود و طومار زندگی ما نیکو کاران و بدکاران چه پاداش و کیفری ثبت
خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود.

از تومی پرسم ای هستی بخشی که از رویدادهای گذشته و آینده آگاهی یابرای





«ابن دکات. ۱۰۱. ۲۶»

مردان پارسا و نیکوکار چه مقرر گشته و در روز واپسین ای مزدا با پیروان دروغ چگونه رفتار خواهند شد؟

بند ۱۵

ای هستی بخش از تومی پرسم کیفر کسی که نیروی دروغ و غلظت کردار را افزایش دهد چیست؟ همچنین کیفر یکدیگر هر دیگری حسنه جدائی انداختن مین مردم با ایمان در بهر راستی نذار و چگونه میس باشد؟

بند ۱۶

پروردگارا از تو میپرسم هرگاه شخص نیک آیدیش با تاب و توان در راه ترقی خانه شهر و کشور و پیشرفت راستی و درستی کوشش کند از وصال تو برخوردار خواهد گردید؟ ای مزدا! کی و چگونه چنین آرزویی برآورده خواهد شد؟

بند ۱۷

آیا که امیک از این دو شخص در پیشکردار و پارسا و یا شخص زشت کردار و ناپاک بتبرین را برخواهد گردید؟ و انا باید با دانش خویش نادان را آگاه سازد، شاید که با خرد و گمراه ماند. ای خداوند جان و خرد باشد که راز و هوسن (یعنی عشق خدائی و نیش ناک) بر همه آشکار گردد.

بند ۱۸

هیچکس نباید بخمار و دستور شخص تبه کار و گمراه کننده کوش دهد، چونکه چنین شخصی خانه دوز





«انوار کلمات - ج ۳۱»

و شهر و کشور را بویاری و تباهی خواهد کشانید، پس بر ما است که در برابر اینگونه نبردان، با سلاح پاکدلی
و پارسائی ایستادگی کنیم و آنگاه از خود دور سازیم.

بند ۱۹

ای هستی بخش بشود که مردم به سخنان درست اندیش و دانائی که آموزشایش در بخش
روح و برای زندگی سودمند است گوش فرادهند و آنگاه را بکار بندند، کسی گوش دهند که
در کسرتش آئین راستی تواناست بیانی شیرین روان دارد، ای خداوند خرد با فروغ بناک
دانش، سر زشت هر دو گروه (دانا و نادان) را تعیین فرما.

بند ۲۰

کسی که بسوی راستی و پاکی روی آورد و (پارسائی را پیشه خود سازد)، جایگاهش
سراسی روشنائی یابست خواهد بود، ولی شخص درو غلو و بدکار زمانی در بار باشیون
در تیرگی و کوره روشنی بسر خواهد برد، بر راستی نیت پدید و کردار نشت شخص بز به کار است که او را
کز قمار زندگانی نگبست بار و عذاب وجدان خواهد ساخت.

بند ۲۱

خداوند جان و خرد از روی دانش و رسائی و بانیز روی الهام بخشش خویش کسانی را از
بخشش کمال جاودانی، پاکی و راستی نیز روی منوی و توانائی خدمت بخلق، اندیشه پاک ضمیر





اهنودکات - ات ۲۱
روشن بر خوردار خواهد ساخت که در اندیشه و کردار با او وفادار باشند؛

بند ۲۲

ای امپراتور امردا شخص خردمند و هوشیار و کسی که بانشس خویش حقیقت درک میکند از قانون ایزدی آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده و رفتار و کردار خود را بر بستر راستی نخواهد آراست و در راه گسترش راستی گام برخواهد داشت. چنین شخصی نسبت به تو ای مرزاد فادار و شایسته ترین یار و مددکار مردم بشمار خواهد رفت.



« اهنودکات » یسنا هات ۳۲ بند ۱

برای بر خور داری از بزرگترین خوشبختی خویشان و همکاران یاران نماز گزار تو میباشند و دیوان یاد پرستندگان تو ای طبیعت نیز امپراتور امردا، خداوند جان و خرد را تسایش کرده و همگی این آرزو را دارند: پروردگارا بشود که ما هم پیام رسان تو باشیم و آمانت را بزرگوار نام تو نصرت دارند و در عهد داریم.

نُوصِیح

داشته مانی که بخویشان همکاران یاران ترجمه شده است و او ساختنوش -
و در زیم و آئیم ما ذکر کرده و منظور شده که به اشور رشت پسر بران نزدیک





۱۵ بندگات . ات ۳۲ «

بودند و از سخاط پاکدامنی و پارسائی و بزرگ منشی از سایر سپه روان برتری داشتند، در بین این سه گروه نیز بترتیب خود مایه و خویشان بزرگتر نزدیک بوده و مورد اعتماد و اطمینان او قرار گرفته بودند و بعد از آنها همکاران یاران متعارف داشتند . اعضای انجمن نخب با ویا انجمن برادری اشو زرتشت را نیز افراد سه گروه مذکور تشکیل میدادند زیرا آنها افرادی از خود گذشته و نسبت به سپه روان بودند البته میتوان واژه ختیش *xraetush* را با شخاص سکی منجمن با اراده ای بسیار قوی نیز ترجمه کرد .

خودمانی یا خویشان گروهی بودند که از هر سخاط شایستگی داشتند و بیشتر پیغمبر نزدیک بودند البته نه از نقطه نظر حیوانی بلکه از نظر دانش و بینش و پارسائی و پرستشکاری و راستی و درستی مورد احترام و اعتماد زرتشت بودند، این گروه افرادی بودند که در راه گسترش دین حاضر بقدا می جان خویش بودند .

بند ۲

ابورامزدا، خداوند جان و خرد که از روی حکمت و دانش بر جهان سروری میکند در پر تو شهر یاری خویش با آنها چنین پاسخ داد :- آرمیتی پاک و مقدس را که با شما

۱۵. نظریه کرده یا داشته در بند اول میباشد .

۱۶. مظهر ایمان و ندادکاری و سهر دینی





«انهدکات ۱۰ ات ۳۲»

تابناک دست نزدیک است برای شما برگزیده ایم . بکشید همیشه او را از آن خود بسازید .

بند ۳

ای کمران بت پرست شما همه از تبار و نژاد سیه دلان و کرم نشانیید ، کسانیکه
از شما پیروی کرده و شما زیاد از حد احترام گذارند نیز از تبه کاران شما آیند .
کردار فحیحانه دریا کارهای شما از دروغ و خود ستانی سرچشمه گرفته است . ایران
در سرسرگستی بیدنامی شناخته شده اید و مورد تمیز مردم مهیب باشید .

بند ۴

ای بت پرستان شما اندیشه مردم را چنان پریشان ساخته اید که آنها کربشترین
مغاه گردند ، از اندیشه پاک دوری جویند ، از اراده خداوند خرد سپیچ می نمایند و از این سگی
و پاکی گریزان باشند و سرانجام از دوستان و یاران دیوان بشمار آیند .

بند ۵

ای دیوانها! همانطور که اهرمن نابکار با اندیشه پلید خود شما را کمراه ساخت و با آموزش
نادست و نوید سروری و بزرگی بر او امان دروغ را بگردار زشت و ناپسند و اوار ساخت
همان گونه شما نیز مردم را کمراه ساخته و از زندگی کامل و خوشبختی جادو دانی محروم ساختید .

۱۰. منظور روح ایمان و خداکاری است . ۱۱. در اینجا منظور آرزوکاران و پشیمانان کیش بت پرستی هستند





«ابزومات - ات ۳۲»

بند ۶

شخص گناہکار و گمراه ممکن است چندی با کردار زشت خویش شهرت و آوازه ای بدست آورد ولی ای هستی بخش، تو از روی غرور و حکمت خویش همه چیز را بیاورداری و نسبت با غیره کس داری خواهی کرد. ای خداوند غرور بر استی سرانجام با برقراری سروری آسمانی تو آئین جادوئی آشاور استی همه جا حکمفرما خواهد گشت.

بند ۷

هیچکدام از این گناهکاران از مفهوم مشرفیت واقعی که در اثر کار و تلاش حاصل و بزرگی به انسان می آموزد آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی خبرند. ای هستی بخش داناستها تو از فرجام گناهکاران آگاهی و درباره آنها و ادوی خواهی کرد.

بند ۸

جمید پسر دیو نهمان یکی از آن گناهکاران شناخته شده است زیرا برای جلب سبب مردم و ارضای نفس خویش خداوند جهان را خوار شمرد، ای خداوند خسر و من نسبت به داری تو در روز واپسین در مورد گناهکاران ضایعیت کامل دارم.

بند ۹

آموزگار کج اندیش تعالیم ندهی را تحریف کرده با آموزشهای نادرست خود انسان را گمراه

۱۰- پیکار با فساد و انکار پدید و مقابله با استعمار بیاسی زندگی آزمایشی است آتشین.





«ايندوگات - ات ۸۲۲»

وازهف اصلی و واقعی زندگی مخرف میازد، او انسان را از توجه بسرمایه گرا بنیای راستی و دینی و اندیشه پاک باز میسازد، ای خداوند خرد و ای مظهر پاکی و راستی با سخنانی که از قلب و رحم تراوش میسند بر گاهستان گلگه کرده و پناه میجویم .

بند ۱۰

آنها با احترام بر زمین و خورشید مکرستین را بدترین گناه می شمارند زیرا تعلیم مذہبی را تحریف میسند . آنها نیک اندیشان را بسوی دروغ و کلاه میسکشاند، کشتزار را ویران کرده و بر علیه پرهیزکاران سلاح بکار میسبزند .

بند ۱۱

ای خداوند خرد آمان! بدکاران را بواسطه شکوه و جلال مادی بزرگ میسازند، زنان و مردان شریف را از رسیدن آرزوی خود و برخورداری از نجاشی آزادی باز میسازند . پارسایان و راستی گرایان را پریشان و مخرف میازند و زندگانی را فاسد و تباہ میسند .

بند ۱۲

آنها با آموزش نادرست کوشش میسند مردم را از انجام کار نیک و شایسته باز دارند و با گفتار فریبنده مردم را گمراه ساخته زندگانی آنها را تباہ سازند آنان در اثر کج اندیشی گمراهی

۸۱. اشاره به آموزگارانی کج اندیش و گمراه میسند است .





۱۰ هزار دگات - ۲۲۲

درنده‌ای چون گرگها و کربان‌ها را بر استان و پاکان برتری داده و برای پوخواهان دروغ
آرزوی سروری میکنند ولی مزد خداوند خرد برای آنان کفر نخبی مقرر داشته است .

بند ۱۳

قدرتی که این گرگان عریص (یعنی گرگها) در راه تبه‌کاری و کج اندیشی بست یادند
سرا انجام موجب بدبختی و تباهی زندگی خود آنها خواهد گشت .
ای خداوند خرد آنگاه همین گرگان آرمند بایل شدید آرزوی پیام مقدس پیام آور ترا
خواهند داشت ، پیام آوری که نیکان و پاکان را در برابر تهدید دشمنان حفظ خواهد کرد .

بند ۱۴

دیربازی است که گرگهای آرمند با کج کاری با اندیشه و نیروی خود را برای پیام
اندختن پیام آور تو متمرکز ساخته اند . آنان از پوخواهان دروغ و مکر بان یاری جویند و برای
جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که سکت نا پذیر آنها را یاری خواهد کرد .

بند ۱۵

براستی کومی‌ها و کربان‌ها سرا انجام بست همان کسانی که از آنها سلب آرزو

۱- دشمنان زرتشت فرمان روایی که حاضر بشیندن سخنان ستم‌سالار بحسب پسر بران بودند و با کج
سی دنیا پروری زرتشت داشتند . ۲- اشاره بر ایندوهم است که با صفت سکت نا پذیری توصیف شده است . این
ایزد طرف توجه دروغ پرستان بود است . ۳- کومی و کربان در اینجا مفهوم سولان بزرگان دیرینا آمده و
و بجایانی اطلاق شده است که در دیدن دشمنین حقیقت هم‌گور و گم‌گشتند .





«اهنوکات - ۳۲»

کرده اند، سکت خورده و تباہ خواهند گشت و آنان که از نعمت آزادی محروم بوده اند در ترو و بخشش
ایزدی (کمال و جادو دانی) از سرمای منسپانک یا بهشت بهره خواهند برد.

بند ۱۶

براستی آموزش واقعی و خردمندانه شخص پارسا بهتر از هر چیز است، ای خداوند خرد و هستی بخش
ترا توانائی بر هم زدن نقشه کمانی است که مرا به آزار تهدید نکنند، من کوشش میکنم نفرت و دشمنی
هوخواهان دروغ را نسبت به پیران و دل باحقان تو باز دارم.



اهنوکات هات ۳۳ - بند ۱

هر کس در این جهان باید برابر آئین ازلی و آشا، یاراشی که بنیاد زندگی را تشکیل میدهد
زغار کند زیرا تو یار رهبر روحانی با کمال بی نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان بدان داده
خواهد کرد و کردار نیک زشت آثار ابادت خواهد بخشید.

بند ۲

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بازوان خویش با بدکاران پکار کند نقشه اسباب
مقیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند بدستی چنین شخصی خواست پروردگار را انجام
داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزد.





«انودکات - ات ۲۲»

بند ۳

ای خدای هستی بخش، کسیکه بیچکان، پاکان خواه از گروه خودمانی و بهکار و خواه دوست
با مروداد رفتار کند کسی که از آفرینش نیک پروردگار بگذرداری نماید، بر اوستی چنین شخصی از
کشور خرم راستی و نیش پاک یعنی بهشت برخوردار خواهد شد.

بند ۴

ای خداوند خرد ترا پرستش کرده و آرزو دارم بی ایمانی و بماندیشی از بندگان نیک
تو دور گردد. همچنین آرزو دارم از خودمانی تا خیره سری و کج خیالی، از بهکار فریب دشمنی
نزدیکان و از دوست نامترا کویان و گویش کنندگان از پند جهان هستی رهبر دروغ پرداز
و فریبکار دور گردد.

بند ۵

برای رسیدن آرزومان و هدف خویش سر و شس بزرگترین یاد و نارا بکجک علمی طلبم
آرزو دارم از زندگانی دراز برخوردار و بشور نیش پاک در آیم. با کجک راستی و پاک و پیوند
راه پارسانی بجایگای که ملکوت آسمانی اهورا مزدا است راه یابم.

بند ۶

پروردگارا چون پرستنده پرهنر کاری که بر اوستی پاکانی ایمانی استوار دارم تا تمام جویم

۱- نظر از آفرینش پاک بهشت است. ۴۴





«ابنودکات - باب ۲۳»

روح پاک ترامی ستایم و از اندیشه حکمت بارت خواستارم مأموریت ارشاد و سببری را چنانکه
اراده توست انجام دهم . ای خداوند جان و خرد آرزو دارم بیدار و شورت باتو (مانند یک دوست)
نایل آیم .

بند ۷

ای از همه بستر و ای خداوند خرد بسوی من آید و خودتان را بمن آشکار سازید تا در تپه
راستی و منش پاک گذشته از انجمن مغان دیگران هم سنجانم گوش فرادهند .
پروردگارا ما را از تکالیف بسته و احترامات شایسته و درخور خویش بیگانه روشن ساز .

بند ۸

پروردگارا هدف نمائی و مأموریم را بخوبی بمن نشان ده تا در تو اندیشه پاک آن انجام
دهم و ستایش ترا ای خداوند خرد بجای آرم . پروردگارا سر و دستایم را که از روی راستی
و قلبی پاک تراوش میکند پذیر و نجاشیسانی و جاودانی را بمن ارزانی فرما .

بند ۹

ای خداوند خرد این دو نیروی بزرگ^{۱۱} افزاینده راستی و پاکی را که از آن تست تنها
خرد و دانش و فروغ بصیرت و نیش بست توان آورد . بشود که در پرتو بهترین منش از نجاشی

۱۱- منظور از این دو نیروی بزرگ رسانی و جاودانی است که در بند پیش بیان اشاره شده است .





«هنودکات. ۱۰۲ ص ۳۳»

این دو نیروی همکار و یگان برخوردار گردیم .

بند ۱۰

ای خداوند خرد آسایش و خوشیهای زندگی که بوده و هست دخواهد بود همه از توست .
پروردگارا از روی مهر و کرم خویش آنها را با ما ارزانی دار و در پرورش پاک و نیروی درستی در
ما را با جوشبختی جاودانی بهم قرین ساز .

بند ۱۱

ای اهورا مزدا ای توانا تر از همه با آریشتی مظهر ایمان و فداکاری، آشتیاری استی یا
آبادکننده جهان، و بون «مظراندیشه پاک و محبت، خشترا» مظهر نیروی معنوی و
اقدار ملکوتی، بمن گوش فرا دهید و در آن روزی که برایت پاداش کردار خشنود بمن
مهربان باشید و آفرینش خود را از من دریغ نکنید .

بند ۱۲

ای اهورا «ای خدای هستی بخش» خودت را بر من آشکار ساز و در تو ایمان
و فداکاری بمن نیروی معنوی بخش ، ای خداوند خرد بیاری پاکترین روح «روح القدس»
خود پرستش را با نیکویی با پاداش ده . بیاری راستی و پاکی مرا از نیروی بسیار بخود





«انهدکات. ۱۳۳»

ساز و در پرتو دهبوسن یا خرد و منشش پاک سردی در سببری مردم را بمن بخشش

بند ۱۳

ای پروردگار تیرمین! برای بر خو، داری از شادمانی و خوشبختی بخشایش بمانند را
 بمن بنا. ای هستی بخش، بخشایشی را که از خشترا «مطر قدرت و ملکوت آسمانی تو» و
 دهبوسن «مطر منش پاک و محبت همبوع» سرچشمه می گیر و بمن از زانی دار. ای از میستی معده
 «ای مطر عشق و بردباری و ایمان بخدا»، بوسید راستی دلها می مارا روشن ساز تا نفس واقعی
 و ضمیر باطنی خود را درک نمایم.

بند ۱۴

ز زشت همه جسم و جان خود را با برگزیده ترین منش پاک خود چون پیشگی بی ارزش
 بخداوند خرد نیاز میکند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار همه
 نیروی خود را به آتش ارمان میآورد!

۱۱- آگاه از آینه دور

۱۲- منظر آن است که زشت با تمام نیرو و سرسپردگی کردار و گفتار خود را با راستی خواهد آید است

و در راه راستی جان خود را فدا خواهد نمود.





«انودکات» هات ۳۴ - بند ۱

ای فردا، رفتار و گفتار نیک و پرستش بی ریائی که در پرتو آنها مردم از بخشایش جاودا
و پارسائی و نیروی معنوی و رسائی برخوردار میگردد و نذیرا سخت بود ای خداوند پرستش
پیشکش مینمایم.

بند ۲

پروردگارا مرد نیک اندیش و پارسائی که روانش باراستی بهکام است، تنها بود
می اندیشد و کردار نیک خود را بنیاز میکند، ای اهورا مزدا بشود که نیایش کُنان نرسود
سایش گویا بتو نزدیک شویم.

بند ۳

ای خدای هستی بخش باکمال احترام آنچه در خور و سزاوار تو و آشا منظره استی
پاکی است بجای آوریم. بشود که همه جهانیان در پرتو منش پاک و در کشور «جاودالی تو»، برسانی
رسند، ای خداوند خرد برآستی مرد دانا و روشن بین همواره از نیروی معنوی برخوردار میباشد.

بند ۴

ای خدای هستی بخش، ما فروغ توانایی تو را که در پرتو راستی فرزندان است خواهیم.

«کار خود را با نام تو و با توکل تو انجام میدهم»





«ابن دکات - ات ۳۴»

آن شعله فروزانی که ابدی و نیر و منداست و پیروان راستی را آشکارا زهنمون گشته یار
می بخشد . ای خداوند خرد همین شعله فروزانت که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان اما آشکار سازد .

بند ۵

پروردگارا چه شکر است نیر و توئی ! چقدر آرزو دارم ای خداوند خرد که بگردا
نیک و خدمت به بشر و در پر تو راستی و منش پاک و دستگیری از دار ستگان و بیچارگان تو
پیوندم . پروردگارا تو را برتر از همه میدانم و مخالف خدایان در ضمن تباهاکاران می شمارم .

بند ۶

ای خداوند خرد ، ای مظهر راستی و روشندلی ، چون برستی تو را حسین « بر تو بالا
از همه » شناختم پس آرزو مندم در سراسر دوران زندگی مرا هر سنمایی کنی تا با صمیم قلب ایما
کال تو را ستایش و نیایش کرده و بویت باز کردم .

بند ۷

ای مزدا ، کجا بنده تاشیگران با وفایی که در پر تو منیش پاک و آگاه بی زانموش های
پراج آئین به هنگام پنجی و سختی از تو روی بر تانند و با هوش و درایت آن آموزش ناراکجا
بنده و در گسترش پیک مقدس تو بگوشند . پروردگارا کسی دیگر را جز تو نمی شناسم و
خواستارم ما را در پر تو راستی یاور و پناه باشی .





بند ۸

«انزوکات. ات ۲۴»

برای دروغ پرستان با کردار رشت خویش ما را بر اسان سازند، چونکه آنان تباهی و
ویرانی بر مردم آورند و نیرومندانشان بر ناتوانان ستم روا دارند - ای خداوند خردآنان
بآمین معذرت تو «یعنی قانون آشا» توجی مکرده همیشه از راستی روگرداند و منیش
پاک از آسنا گریزان است؛

بند ۹

ای مزد اکنانی که بازشت کرداری و سخبری از منیش پاک فردرگان پست آریستی^{۱۰}
را که نزد بگردان گرامی است خوار شمرند از آنان راستی دور خواهد ماند چنانکه تبه کاران با
مآیلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند .

بند ۱۰

مرد خسته دمنده با آگاهی از اینکه عشق و ایمان بخدا سرچشمه و قوی راستی است گمراه
درشتکاران را به پرورش منیش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی بدگیران اندرز خواهد داد
و سرانجام ای خداوند جان و خرد همه ز شکر داران با آگاهی از حقیقت بسوی تو خواهند آمد .

۱۰ - منیش پاک از آنان گریزان است، منظور اشخاص عاقل و نیک اندیش است که از دروغ پرستان گریزانند .

۱۱ - عشق و خداکاری و ایمان و فرودنی از فردرگان آریستی میباشد .





«ایهدکات ات ۲۴»

بند ۱۱

پروردگار ادو بخشش، رسانی و جاودانی مردم را بفرغِ معنوی و روشن درونی خواهد رسانید. در پی تیروی اراده، بخشش پاک، راستی و پاکی، عشق و ایمان بخدا، زهد گامی پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت. اسی خداوند خرد در بر تو این فرزندگان دشمنان فیروزی توان یافت.

بند ۱۲

پروردگار اکتانت این پیشرفت چیست اراده تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوار توست؟ اسی خداوند خرد آنرا آشکارا بمانمای تا با پیروی از دستورات تو از پاداشی که نوید داده شده است بهره مند گردیم. پروردگار در بر تو راستی راه پاک نشی و خودشان با بیا موز.

بند ۱۳

اسی خدای هستی بخش راهی که بمن نشان دادی راه نیک نشی است، راهی که بر بنیای آموزش سوشانت؛ «سودرسانندگان و نجات دهندگان»، قرار گرفته است. آموزشی که توصیه میکند هر کارنگلی که بمنظور انجام کار و در پی تو راستی انجام شود شادمانی بیار خواهد آورد، آموزشی که انسان را بخرد و دانش واقعی برپری میکند پاداش





«ایزودکات. ات ۳۴»

آن رسیدن بهت اسی خداوند خرد .

بند ۱۴

اسی خداوند خرد کسانلی از آن پادشکس که ان بها که نوید داده شده بهره مند خواهد کرد
 که کار را از روی خرد و منش پاک انجام دهند ، برای مشیرت و آبادانی جهان کوشش نمایند
 خواست خداوند هستی بخش را بر آورده سازند و در پرورستی و پاکی در مشیرت اراده الهی
 کوشا باشند .

بند ۱۵

اسی خداوند خرد مراز بهترین گفتار و کردار بیا کمان تا در پر تو این امور مشیرت با اید
 روشن و قلبی پاک تاسیت را بجای آورم . اسی هستی بخش بزرگ بانروی خویش چنان
 که از کین مذکی نوین و سرشار از راستی بهره مند کردم .





«نشود کات» هات ۲۳ یسا بند ۱

مردا اهورانی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: «نوشته‌ی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن بامین راستی از تو نریز تن دروان را خواستارم. ای آریشی، ای منظر ایمان و محبت، آن پر تو ایزدی که پاداش زندگانی سراسرنیک منشی است بن ارزانی دار.»

بند ۲

براستی چنین کسی از بهترین نجاشی ایزدی برخوردار خواهد شد. کسی که آرزوی رسیدن است و برای رسیدن بان تلاش میکند، ای مزدادر پر تو خرد مقدس و آگاه خویش بدور نشانی درون ارزانی دار. پروردگارا در پر تو آشا «قانون ازلی راستی و پاکی»، مارا از حکمت و دانش که از نجاشی و هوس است برخوردار ساز تا طی زندگانی در از ازشادی و سرور بهره‌مند گردیم.

بند ۳

براستی کسی از بهترین نیکی برخوردار خواهد شد که در جهان مادی راه راستی و خوشبختی ما آموزد و در جهان مینوی مارا راستکار سازد. راهی که مارا بجهان حقیقت و راستی آنگاه که بارگاه قدس است رهبری کند. ای مزدایشیفتگان حقیقت و دلدادگان تو در پر تو خرد و

۱- اشاره کبی است که دیگران را خوشبخت سازد در بند اول هر بحث در گرفت

۲- بهترین نیکی، منظور بهترین نجاشی ایزدی است. ۶۲





بشتر دکات ات ۴۳»

تقدس سر انجام تو خواهند پوست .

بند ۴

ای مزدا بهنگامی ترا نیر و مند و پاک خواهیم ساخت که در تو توانانی ات آرزوهای ما
بر آورده شود و هو او امان را پستی و دروغ هرد و پا دایش و کفر مقرر رسند، آنگاه که نرفع
تو در تبلم بدرشد و گرمی بنجد و نم نیروی راستی را احساس کرده اندیشه پاک با تمام
توان بمن روی خواهد آورد .

بند ۵

ای مزدا اهورا، خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و مصلحت شناسیم که ترا سر آغاز
زندگی و ازلی می‌تسم، زمانی که برای اندیشه و گهوار و کردار نیک پاداش معین فرموی
و در تو خرد و حکمت خویش مقرر داشتی که بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکیان خواهد بود
و این امر تا روز واپسین و پایان هستی ادامه خواهد داشت .

بند ۶

ای مزدا در آن زمان که خرد پاک تو، خسترا و و هومن بسوی ما آیند، آنگاه جهان
هستی بسوی راستی و درستی پیشرفت خواهد کرد و نوشته آرمیستی نور محبت و ایمان با در دل
را مردان روشن کرده آنان را بسوی حقیقت رسیبری خواهند نمود و یسچکس را یا رایی و نفقین پر کاد





«شتر دگات - ات ۲۳»

مطر خرد و حکمت نخواهد بود .

بند ۷

آنگاه ای مزدا اهورا ترا پاک و مقدس شناختم که اندیشه پاک بمن روی آورد و از من پرسید
کیتی؟ و از کدام خاندانی؟ هنگام تردید و دودلی چه راهی را بر خواهی گزید؟ راهی که بزرگ
برادران و نزدیکان توست و یا آنکه بود خودت می باشد .

بند ۸

آنگاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سر سخت فروغ و در و گلویمان هستم و تا
آنجا که مرا نیرد و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یا در پشتیبان نیکنان
در سگداران خواهم بود . پروردگارا بشود که از نیردی معنوی و بکسرانت برخوردار گردم همیشه
سرسپرده و تسلیگر تو باشم ای مزدا

بند ۹

ای خداوند جان و خرد آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که من بش پاک بمن روی آورد و در و گلویت
و معرفت تعلیم راه یافت . پرسیدم چه کسی را خواستاری پیش از همه مورد نماز و ستایش
قرار گیرد «خود چنین پاسخ گفتم» تا زمانی که مرا نیرد و توان است فروغ تا بنانک و معنوی تو را ای مزدا

۱۱. پرسش کردن اشر زرتشت از زوین منظر برتری حقایق با دیده روشن بین اندیشه ژرف و بیگناهیست .

۱۲. فروغ تا بنانک و معنوی منظر فروغ ایمان بخدا می باشد .





«اشتهادگات . ات ۴۲»

می ستایم و باین راستی دل خواهیم بست .

بند ۱۰

پروردگارا مرا بسوی راستی و پکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا بسوی از
آزمیستی ، مظهر ایمان و محبت ، برسانی نایل آیم . پروردگارا اکنون ما را بیازمای تا ایمان خود را
ثبوت رسانیم . آزمایش های تو چنان است که با انسان نیروی مغوی خود بخشید ، بویژه
رهبرانی که از سوی تو ای مزدالهام گرفته اند با نیرو و شجاعت مردم را راهنمایی کرده و شجاعت
تو را انجام خواهند داد .

بند ۱۱

ای خداوند جان و خرد ، آنگاه تو را پاک و مستطین شناختم که منش نیک بمن بروی
آورد و در پر تو سخنان الهام بخش تو بصیرت بونش یافتیم . هر چند در یاقه ام که ایجاد ایمان
در دل مردم کماست بس فشار ، ولی پروردگارا من آنچه را که از دیدگاه تو بهترین کار ساخته
شده است با کوشش و فداکاری انجام خواهم داد .

بند ۱۲

آنگاه که بمن فرمودی : « بادانش کمال از راه پستی پیروی کن » سخنی گفتمی که خواسته
« قلبی من بود ، من کوشش خواهم کرد تا فرشته سُرُوش « یا ندای وجدان » را در درونم بیاد

۱۱. آزمایشات منور عقل منی او ، بسوار بهای زندگی است که زشت با آن روبرو بود .





«اشتهودکات - ات ۴۳»

کرده، تبسم را از پر تو ایزدی روشن سازم و باین حقیقت آگاهی حاصل کنم که هر کس از گروه
نیکان و بدان آنچه را سزاوار است بدو پاداش بخشیده خواهد شد

بند ۱۳

ای خداوند جان و خرد، آنگاه ترا پاک و مقدس جشنم که منش پاک بمن رو آورد
نور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. پروردگار برای رسیدن بغایت آمان آرزوی
خویش زندگانی در زمین ارزانی دار، آن چیزی که جز تو کسی دیگر را یاری بخشیدن
نیست آن زندگانی مطلوب آرزو شده که سرشار از خدمت بهمنوع و فعالیت برای پیشرفت
جهانیان بوده و خبشتراشی تو بگی دارد.

بند ۱۴

ای مرزا آن سان که مردد و توانائی بد دست خود مهربانی کرده و در ارادش
می بخشد، به سپردنم شادی فزون از اندازه بخش آن شادی و سروری که در پر تو راستی
بدست آید و در قدرت شریاری نشت. پروردگار امن از آئین راستی و همه کسانی که
پیام آور آسمانی ترامی سرانید پشتیبانی خواهم کرد.

یا، منظور از خبشتراشی قدرت جهانی و نیروی اراده و صفت در راه انجام خدمت مردم و فعالیت برای آبادانی
و پیشرفت جهان میباشد خبشترا منهدم است بلا بر نفس و چیرگی برای مال و هوس نیز میباشد.





بند ۱۵

«اشتردهات ۱۰-۴۳»

ای خداوند جان و فرود آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منش پاک بمن روی آورد و نور
حقیقت و معرفت بقلوبم راه یافت. آنگاه دریافتم که اندیشه آرام و ژرف بهترین وسیله کسب دانش
و نیش مغنوی است و هیچ رهبری شایسته نیست با هوای امان دروغ از در آشتی درآید زیرا
آمان پرنهر کاران و در دستگرداران را دشمن همشگی خود پندارند.

بند ۱۶

ای خداوند جان و فرود ز رشت برای خویش پاکترین فرود را بنظر راهسما برگزید. بشود که
راستی و درستی زندگانی مادی ما را نسیر و مند سازد. بشود که نیروی مغنوی با نور ایمان و محبت
چون پرتو درخشان نور شید قلوب ما را روشن سازد. پروردگارا بجانیکه در پرتو منش پاک و عقل خود
کاری انجام میدهند پا د آتش بخش.

هاتف ۴۳ - بند ۱

«اشتردهات»

ای همی بخش کنایا، با فزونی از تو پریشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
آیا پرستش تو را چگونه باید بجای آورد؟ ای مزدا قلب من از صحر تو لبریز است، بگذار کسی که
ترا خوب میشناسد راه دست را بمن نشان دهد. پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی
از یاری تو برخوردار گشته و دیده دلمان از نور پاک منشی و ژرف بینی روشن گردد.





استوگات - ات ۴۴»

بند ۸

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
تا بتوانم ای مزدا در مورد آنچه که از سوی تو الهام شده است بیاذیم . پروردگارا ، خواستارم
در پرورش نیک ، آموزش های ترا درک نمایم و در پروراستی و پاکیزگی از زسانی در
زندگی برخوردار گردم . پروردگارا ، چگونه و با انجام چه نیکی های روانم زشادی و آرامش
بهره مند خواهد شد .

بند ۹

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
چگونه وجود خود را در بست در انجام خدمت مقدس با تمام نیرو و توان تو نشان کنم ؟ این حقیقت را
و انش دین بمن بیاموزد . ای مزدا ، فدائی تو در پروراستی و نش پاک ، و خدمت بوم
با تمام نیرو و سر انجام در جایگاه تو یعنی بهشت ما و خواهد گردید .

بند ۱۰

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
پروردگارا ، از این الهام بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز ،
آئینی که بار اوستی به کام بوده و بپشرفت جهان هستی کمک میکند . پروردگارا ، آرزوی من یا





«بشتر، گات ۱۰، ت ۴۴»
 نورایمان را در قلبمان روشن باز تا در پر تو آن کارهای مابوسی رستی و درستی کرایش پیدا
 کند. اسی فرود امارا بدایت فرماتا خواست آرزوی نهانی ما رسیدن تو باشد.

بند ۱۱

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 چگونه ایمان بخدا و نرم خوئی و میسر و رزی در قلب کسانی که آئین الهام بخش تو برایشان اظهار
 شده است جای خواهد گرفت ، پروردگارا میدانم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان
 نخستین آموزگار برگزیده ای . بنابراین تنهائی کسانی که ترا فرمانبردارند از دوستان و
 دیگران را دشمن خواهی شمرد .

بند ۱۲

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 آیا کدام یک از طرفین راستی یا دروغ روی آورم ؟ آیا با هوای خودمان دروغ که سینه کارند
 گهلو کنیم یا کسانی که از بدکاران بچ میزند ؟ آیا دروغ پرستانی که بجایش گرانجایی
 ترا خوار می شمارند اندیشه و قلب آنها را یساهی دروغ ورستی فرا گرفته است ؟

بند ۱۳

ای هستی بخش تجا ، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی





«اشتموکات. ات ۴۴»

چگونه باید دیو دوزخ را از خود برانیم؟ پروردگارا از اشخاص بی دین ایمان دوری خواهیم کرد.
 و از کسانی که پیوند خود را با راستی و خرد گسته و نسبت بمنش نیک و لبشکی نشان نمیدهند و کوششی
 در راه کرایش به این فرزندگان دیره نمینمایند پهنه نخواهیم کرد.

بند ۱۴

ای هستی بخش کجیا، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
 چگونه باید در دوزخ را بدست راستی سپرد تا با آموزش کلام آسمانی روحش از آلودگی پاک گردد.
 ای مزد دانا و داد ساختن شکست کمال به هوایانان دروغ و تباهاکاران، فریب و نفرت
 آنها را از زمین برده بی اثر خواهیم ساخت.

بند ۱۵

ای هستی بخش کجیا، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
 پروردگارا بر اوستی تو توانا هستی که در پرتو آشامرا از گزند فریبکاران و نفرت در دوزخ یان بگذرد
 فرمانی، هنگامی که دوسپاه دشمن در برابر یکدیگر صفا رانی کرده و بهم می تازند، آنگاه ای
 مزد دانا بر قانون ایزدی، کدام یک از دو گروه «مزد اپرستان و هوایانان دروغ»
 و در کجا از فیروزی برخوردار خواهند شد.





بند ۱۶

استدکات: ۲۲

ای هستی بخش کجیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 کیت آن شخص دلیر و فیروز مندی که در پر تو آموزشهای ایزدی ما را پناه بخشد؟ پروردگارا
 از راه الهام رهبر دانا و درمان بخش زندگی را بمن نشان ده و اورا با «سروش»
 روح فرمانبرداری از دستور ایزدی و روشن ضمیری برخوردار ساز. پروردگارا این
 دو بخش بزرگ را هر کس که دوست داری ارزانی فرما .

بند ۱۷

ای هستی بخش کجیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 ای مزدا چگونه بار آسمانی تو بحدف آماج خویش که پوتین تو و کی شدن با مشوق است
 دست خواهم یافت؟ پروردگارا، کی با گفتار شیوا و نوثرود در پر تو آشا و پیام آسان
 تو که بهترین را بنیاست مردم را بوسی رسانی و جاودانی رهبری خواهم کرد.

بند ۱۸

ای هستی بخش کجیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .





«استودکات - ۱۰۴»

چگونه «پرتو آشا» راستی و پکی «پادشاه» را که عبارت از تسلط بر دهه مادیان است
بایزوی اب اندیشه است بست خواهیم آورد و بروشنایی حقیقی و سرمدی خواهیم رسید.
ای مزدازرسی و جادانی کی بر خوردار خواهیم شد تا به روش بخش بزرگ را برای رستگاری
مردم جهان ارمغان دهیم.

بند ۱۹

ای ستمی بخش گویا، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی.
پروردگار را بخاک می کشند و در آستین بجا می کشند پادشاه از تو انکاران پانچ سر می شود
چه سزائی برای اینگونه افعال کاران مقرر فرموده ای؟ من از کفری که برابر آئین
ایزوی پس از مرگ و در روز واپسین در انتظار آناست بخوبی آگاهم.

بند ۲۰

ای مزدازرتو می سپرم چطور امکان دارد دیوان از شهریاران نیک باشند.

۱۰ - در این بند واژه «دیوان» است و بیشتر بکار رفته است که در لغت بعنوان پادشاه خوانده آید و گروه است
گروه واژه «دیوان» که در لغت معنی حیوانات را می دهد ولی در باطن معنی است که در امی معنای «دیوان» می باشد
صفت خواست و گمانه شنوایی، بیانی، چنانی، بویانی، پس کردن، توانایی، پویایی، کار آبی، نمیدن با دیوان
تشبیه شده اند که انسان را به پرگاه پنج و بیچارگی می کشاند و تنها سبب نرسیدن است که سبب نرسیدن است و این است
کرده و بر آناست طپید کند و به آستین بروشنایی حقیقی و سرمدی می رسد و نور حقیقت را بعنوان پادشاه دریافت کند.





بش... نکات: ۴۴

کسانی که برای ارضای هوس های خویش و انجام مقاصد خود خوابانه میخکندند و با کمک گریبان
و کاویان و او شیخ جهان را بهت خشم و نفرت سپرده و جهانیان را بناله و فغان میآوردند.
آیا اینها بیچگاه کوشی خواهند کرد تا در پرتو راستی و درستی موجب پیشرفت و آبادانی
جهان گردند و آسختی و آرامش را برقرار سازند و گمشده ها را بیابند.

بش... نکات: ۴۵ - بند ۱

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمدهاید، من اکنون برایتان سخن میگویم
گفت گوش فرا دهید و بشنوید حقایق روشنی را که برای شما میآموزم، با دقت بخاطر بسپارید
سبا و ابار دیگر آموزگار بدخواه زندگانی مردم را تباه سازد و دروغ پرست با کج آموزی
خویش آنها را همراه نماید.

بند ۲

اکنون درباره دو مسئله یاد گوهری که در آغاز زندگانی وجود داشته اند سخن میگویم
گفت، از این دو گوهر آن یکی که پاک و متعصب بود بهمهزاد خویش گوهر پلید چنین گفت:
بیچگاه اندیشه و آموزش اراده و ایمان گفتار و کردار و وجدان با یکدیگر سازش نداشته

۱. کاویان و گریبان او شیخ از گروه مخالفین سر سخت استوار زشت و پشیمان دینی دروغ پرستان بودند.





«استودکات - ات ۲۵»
 دارهم جدا بسند .

بند ۳

الآن از حقایق و اصول آئین زندگی آن چنانکه هستی بخش دانا بمن آموخت آشکار
 خواهیم ساخت . کسانیکه کلام محدثس مزد اربکار بنهند و چنانکه من آموخته ام سپردی نهند،
 پایان زندگی آنها پشیمانی و آه و افسوس خواهد بود .

بند ۴

الآن زبستین بدف آمان زندگی سخن خواهیم گفت و حقیقتی را که در پرتو آسایش در ایتم
 بیان خواهیم داشت و آن اینکه آئین زندگی در پرتو راستی را فرادا، خدای یکتا و دانا مقرر فرمود،
 پروردگاری که سرچشمه نیک و فعال است و ایمان و محبت دختر نیکو کار او بشمار میرود،
 هستی بخش یکتا و از همه خیر آگاه را نتوان فریفتن .

بند ۵

ایدون از سخانی که از سوی پروردگار بمن الهام شده است گهلو خواهم کرد . سخانی که
 شنیدن و بکار بستن آن در زندگی برای مردم بهترین است . کسانیکه این آموزش را با جان
 دل پذیرا شده و فرمان برند، از بخشش رسائی و جاودانی برخوردار خواهند شد، اندیشه نیک،
 آمارا با انجام کار نیک شایسته بنمون خواهد کرد و بدو سر انجام زبیرت اهورا فرادا و در سخانی





بیشتر دکات - ات ۲۵
حقیقی نائل خواهند شد.

بند ۶

من اکنون از کسی که بزرگتر از همه است سخن خواهم گفت. باراستی پاکي سردار ما
در پروتوهایش راستیاش میکنیم و آرزو داریم هستی بخش یکتا در پروتو خود متعین خوش نیایش را
باشنود، بشود که در پروتویش پاک و محبت ایمان با دوست یابیم، پروردگار را در پروتو خود
مرا بسوی روشنائی حقیقی «یا آنچه که بهترین است» رهبری فرما.

بند ۷

همه دستکاری از او خواهند، چه آنکه زنده اند چه کسانی که از جهان فرست و یا
در آینده با بصره وجود خواهند گذاشت، روان شخص پارسان دست کردار کامروا گشته و از بخش
جادو دانی برخوردار خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبه کار از درود و عدالی که همیشه تجدید میگردد
برنج خواهد بود. این قانون را، هستی بخش دانا و یکتا از توانائی خویش مقرر فرموده است.

بند ۸

چون اهورامزدا را با دیده دل دیده ام، کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو جیش را
بسوی خود جلب کنم و از آنجا که با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروتو راستی و درستی دینا تم که
اهورامزدا، هستی بخش دانا پروردگار یکتا است. بنابراین نیایشهای قلبی و ستایش خود را





اشترکات - ات ۴۵
به بارگاه تقدیس نیازیکنیم .

بند ۹

لطف و بخشش پروردگار و دهن «سپس پاک»، را خواستارم، چونکه بخواست
داراده پروردگار شادی و بخت هر دو برای ما آفریده شده است، بشود که هستی بخش دانا در تو
توانائی خویش نیروی کار کردن و خدمت بما ارزانی فرماید تا باینش پاک و دانش مردم را
بسوی راستی و حقیقت پیشرفت دهیم .

بند ۱۰

با درود و ستایش قلبی ایمانی پاک او را بزرگ خوا، ایسم داشت، لیکه در تو نیروی
خویش هستی بخش دانا و کتیا و آفریدگار هر دو جهان نامیده شده است، پروردگاری که در تو
قانون ازلی و اندیشه رسا و شریاری خویش مردم جهان رسائی و جاودانی نوید داده است
و آنها را به برخورداری از نیروی تن و پایداری روان امیدوار ساخته است .

بند ۱۱

کسانی که بابت پرستان هوخواهان آنها دشمنی درزند و همچنین کسانی که نام
پروردگار را به نیکی یاد کرده و سوسیانت می دانا و یاوردین راستین را کرامی دارند، فرزداها
با آنان چون دوستی صمیمی برادر و پدیری مهربان خواهد بود و راهشان با کسانی که کتیا هموار را





خوار شمارند و از او برشتی یاد کنند کما تاجد است .

«استودکات» هات ۴۶ - بند ۱

بکلام سز زمین روی آدم؟ بجزازته پایه جویم؟ خوشیام مرا ترک گفته . و دوستانم از من روی گردانند . از همکاران کسی مرا نخرسند نمی سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی بد بوخ کرایش یافته اند . ای هستی بخش بزرگ چگونه خواهیم توانست با انجام ماتویرت ترا خسود بنام .

بند ۲

ای مرد امن از ناتوانی و سگد پستی خود آگاهیم، زیرا خواسته کم کم، ویران برانجام اندکند . ای هستی بخش کیتا، روی بدرگاه تو میآورم مانند دلداوه که از دلبر خویش خواستما نظر لطف و محبت و جو نشستی سردی باشد، پروردگار را در پرتو قانون ازلی اش «راستی و پاکتی» مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز .

بند ۳

ای مردا کی سپیده دم نیک نختی بدر خواهد آمد و مردم جهان بسوی راستی پاکتی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشربادانش و خرد و آموزشهای تو خوش مردم را از بهری خواهند کرد؟ و هومن، مظهر اندیشه پاک بچ کسی کرایش پیدا خواهد کرد؟ ای هستی بخش





«اشتیادکات. ات ۴۶»

من تنها، ترا بعنوان آموزگار و سرور خود برگزیده ام.

بند ۴

هواخواهان دروغ کوشش دارند پارسایان و پرستکاران را از شیرفت بسوی بدفما
مقدس خویش یعنی راستی و درستی و آبادانی شهر و کشور باز دارند، آنها با کردار خصمانه خود
بزشتی و تباہکاری مشهور اند، ای مزدکسی که با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ
پیکار کند او جهان آفرینش را براه فرود و دانش حقیقی رهبری خواهد کرد.

بند ۵

مرد دانا و توانائی که بنا بر دستور آزادی یا از راه مهر و عطف انسانی خواستار آن
کلمت را خواه از هواخواهان راستی و یا دروغ بگرمی پذیرا شود او پیرو راه آسوده زندگی
سرشار از راستی و درستی می باشد. ای هستی بخش دانا، او بخردی است که با نیروی دانش
کنمراه را از تباہی و فستی روانیده و او را بخود شناسی و انگای نبین رهبری خواهد کرد.

بند ۶

هرگاه مرد توانا شخص تبه کار را براه راست هدایت نکند بدام فریب هواخواهان دروغ
خواهد افتاد. کسیکه برای هواخواهان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواخواهان
دروغ بشمار خواهد رفت و کسی که دست کرداران را دوست داشته بدان ارج نهد در زمره





«استودکات-۱۰ ات ۴۶»
پارسیان بحساب خواهد آمد. ای هشی بخشیتا، این قانون ازلی را از زودستی ناقص شترتفرز مرد

بند ۷

بنگامی که برخواه دروغ بکینند و نفرت اراده آزار من کند، ای مزدا بفرزوغ میونی
و اندیشه تو چه کسی از من پشتیبانی خواهد کرد؟ زمانی که این دو فرزند و نخواستار بیدار شده
و با هم کار کنند ای هشی بخش، آیین راستی تجد کمال خواهد رسید پروردگار حقیقت بر این
آشکاره و وجدانم را به این آموزش بیدار ساز.

بند ۸

کسی که اندیشه آسب سازدن به هشی جهان را در سر پرورداند، بدستی از کردارهای زشت
او آسب می بنماید برسد، بلکه نتیجه کردار زشت و نفرت او بخودش بر خواهد گشت. کردارهای
زشت و تبه کارانه او را از انجام کار نیک و شناخت زندگان کامل باز خواهد داشت و خشم
نفرت بیسچو جدا او را ای مزدا از زندگی کنت باری که نصیبش خواهد کرد بیخط نخواهد نمود.

بند ۹

کیست آن را در مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموخت تنها ترا ای پروردگار شایسته ترین
ذات موردتسایش بشناسیم و ترا داد و در پاک کردار ما و سرور رپستی بدانیم؟ پروردگار ما کوشش
خواهیم کرد که در پرتو اندیشه پاک از قانون ازلی اشاد اسرار هستی پرده برداریم و آنچه که آفریننده





«شود کات. ات ۴۶»

جهان از آئین راستی آشکار ساخته است آگاهی با بیم .

بند ۱۰

ای، پستی بخش دانا، از مرد وزن هر کس در این جهان آنچه را که تو بعنوان بستین
کار مقرر داشته ای بجای آرد، چنین شخصی از پاداش «آشاد خشته را که همانا نیردی منوی و
خدمت ب مردم است و در پرو اندیشه پاک بست توان آرد و برخورد از خواهد کردید . پروردگار را
من آمانم خواهم آمخت که تنها ترا پرستش کنند و هنگامم که در کردن از پل صفت آنان را
راه نمائی خواهم کرد .

بند ۱۱

کادین و کرپان « و یا پیشوایان و شاهزادگان بت پرست » شگفته وسی سخنید با
کردار زشت و سیاه خود زندگانی منوی مردم را تابه سازند ولی هنگامی که نزدیک پل صفت
رسند از روان و وجدان خود شرمناک شده و سختی و آزار بینند و برای همیشه مجبور به زندگی
سرای دروغ خواهند شد .

بند ۱۲

بجگامی که خویشان و نوادگان نیر و مند فریانه تورانی بآئین راستی گردند و با عشق و

۱۱. زندگانی سرشار از راستی و پستی و پاکی و پرستشکاری . ۱۲. پل صفت یا پل صراط و پل اوری بین نیک و بد میباشد .





ایمان در میرفت زندگی بشرو آبادانی جهان بکشند آنگاه در تویش پاک فریانه من آنما هستی
 وجود آورده و آیین مردالی که نوید بخش رستگاری و خوشبختی است بر آنها آشکار خواهد گردید.

بند ۱۳

کسی که اشوزرشت اسپنمان را خشنود ساخته و او را در انجام مأموریت یاری کند
 مروی دست کردار و نیکو سیرت شناخته خواهد شد. همتی بخش دانا و یکجا بچنین شخصی بهترین
 زندگانی خواهد بخشید و پیرامون او از محبت دشش پاک سرشار خواهد شد. پروردگارا، او را
 به حکام با آشا^{۱۱} و هوخواه قانون راستی خواهیم ساخت.

بند ۱۴

ای زرشت کیت دوست در سپنکردار تو که هواخواه راستی است؟ چه کسی برای کترش
 و نجیامی انجمن برادری «منع» کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کمانی نشا
 دلیر است. ای همتی بخش دانا من پیام آسمانی ترا بر دم خواهم آمخت تا شایسته بارگاه
 تو گردیده و در سرای تو یعنی فردوس جای گزینند.

بند ۱۵

ای فرزندان هسپد^{۱۲} و اسفستان اکنون شما چیزی را خواهم آمخت که شنیدن

۱۱. دستار راستی و پاکي هواخواه نظم و قانون. ۱۲. پنجمین نفر از پشت اسپنمان و نیای بزرگ اشوزرشت.





سپتدگات هات ۴۲ - بند۱

کسی که در پرتو خرد مقدس طبعی پاک اندیشه و گفتار و کردارش نیک و بار راستی و درستی همانکند است
مردا او را با توانائی و مهر خویش به او رسائی و جاودانی خواهد بخشید.

بند۲

کسی که در پرتو خرد مقدس به بهترین راه زندگی کند و گفتارش همراهین و از روی خرد باشد،
با دودش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه اش تنها توجه یکبار پروردگار
خواهد بود و او را سر چشمه حق و راستی خواهد شناخت.

بند۳

پروردگارا، بر راستی تو سر چشمه خرد «مقدس» هستی. این زمین شادی آفرین را تو آفریدی،
بنحالی که مردم منش پاک روی آورده و با او شورت کنند، ای مردو تو بدناما آراش بخشی
و آرمستی «ایمان» را پشتیبان آنها قرار خواهی داد.

بند۴

ای مردا بدکارانی که از خرد مقدس روی برتابند و بخرابینند، ولی در سگردان هرگز خنین
نمکنند. پروردگارا، مردم در پستکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت، ولی
هو اخواهان دروغ را چنانچه توانا و پر درآمد باشند باید خوار شمرد و از بدان بحساب آورد.





بند ۵

ای هستی بخش دانا ، نیکوکاران در تو خرد معدتس تو از تیرین بخششالی که نوید داده
 شده است بخوردار خواهند شد ، ولی بهر تو شال حال بدکاران نخواهد کردید ، زیرا کردار آنها از این
 زشت سرچشمه گرفته و آسمان روشن روحان را ابرسیاه تبه کاری پوشانیده است .

بند ۶

ای هستی بخش دانا ، در تو خرد معدتس آذ فردزان خویش سرنوشت دگر و بگیا
 و بدان رعین پاداش دکیفر آنها را ارزانی خواهی داشت پروردگار با افزایش فروغ
 ایمان در اوستی و پاکی جویندگان حقیقت بومی تو کرایش پیدا خواهند کرد .



سپندکامات «ات ۴۸» بند ۱

سرا انجام در روز شمار و پاداش ، هنگامی که راستی بر دروغ چیره گردد و هنگامی که پرده
 از روی ریا و فریب دوان و همدستان آنها برای همیشه برداشته شود ، آنگاه سایش ایمان
 بتو ای هستی بخش گسترش خواهد یافت و بار و بر خویشختی بیار خواهد آورد .

بند ۲

پیش از اینکه کلمش در اندیشه ام آغاز گردد ، ای هستی بخش تنها ، مرا از دانستن





«سپندکامات - ات ۲۸»

آگاه ساز، پروردگار ما را اطمینان بخش که آیا شخص پارسا و پرهیزکار برپا خواهد دروغ و فسق
فیروز خواهد کردید؟ متلاشیت تو چنانست! این بزرگترین فیروزی در زندگی شما خواهد آمد:

بند ۲

همی بخش دانا و سرچشمه کنی بهترین آموزش را بروم دانا پارسانا خواهد آخت،
آموزشی که همه پاکان در روشندان و آموزگاران فلسفه عرفان از آن آگاهند یعنی
تهدا در تو فرود اندیشه پاک میوان ای مرد از دل باحتکان درگاه تو کردید.

بند ۴

پروردگار کسی که اندیشه اش نیک باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز نیک
یابدی خواهد گرانید. راهی را که اندیشه به آزادی اختیار کند اراده و ایمان نیز از آن
پیروی خواهد کرد و با آن هماهنگی خواهد داشت، بناجکت تو ای مرد اسر نوشت آنها
از هم جدا و تهایز خواهد بود.

بند ۵

ای آرمیتی گندار شهریاران شکر و بد رفتار بر حکومت کنند، بلکه بشود شهریاران
دادگر و با ایمان که دارای رفتار نیک و دانش و خرد را همنامی آنهاست برافراز وانی
کنند. ای آرمیتی، پاکیزگی برای مردم از هنگام زایش بخشش خداوندی شما می رود. مایا





«سپندکات. ات ۴۸»

برای آبادانی جان و میرفت آفرینش کار کرده و هسنوعان خود را بسوی روشانی حقیقت رهبری کنیم

بند ۶

براستی که او «آریشی» پناهگاه خوبی برای ماست و با پایداری تن و سیروی روان که
از فرزندگان با ارج بنش پاک است خواهد بخشید. هسی بخش دانا و یکجا او «زمین» را با نگاه
دبزه بیاراست و از آغاز آفرینش برای مردم خوراک تهیه کرد. چنین است حکمت مزدا و تا چون
ازلی اش.

بند ۷

خشم و نفرت را از خود دور کنید اجازه ندهید اندیشه ایان بخشونت و ستم کرایش پیدا
کند. بنش پاک و مهر و محبت و لگتی نشان دهید، راد مردان پاک سرشت برای گشایش هستی
و درستی پیوسته استوار خواهند ساخت و با خوا بان حقیقت را بسوی هشت، جایگاه تو ای اهورا که
منزله «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد.

بند ۸

آرزوی من ای مزدا بر خور داری از سیروی منوی خسترای دوست! اولی خواست من
برای بر خور داری کسان و پیردغم از بخشش های تو ای هسی بخش یگما بسیار زیاد تراست.

۱۰- آریشی، منظرش دایمان بخداد پاسبان زمین. ۱۱- نیروی منوی خسترای چریکی برهای منن خدمت منوح «راه پذیرفت

بشربوی نال میباشد.





یستمکات - ات ۴۸»

پروردگارا، چقدر آرزو دارم در پرتو راهپستی و پاکی خود را به جانبازان فادار و بهرخواهان راه حق
آشکار سازی تا بایاری اندیشه پاک در پیشبرد کارهای نیک کوشا باشم.

بند ۹

چگونه بدانم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مرا دارند شریاری میکنی. ای آشا
روش نیک اندیشی و بهر دلی را برین آشکار ساز، پروردگارا، مزار نخوه برخوردار می از نجاشین خویش
آگاه فرما، زیرا یک سوئیانت یا عمیر آسمانی باید از پاداشی که در انتظار اوست نیک آگاه گردد.

بند ۱۰

ای مزدایار نام برای کسرتش دین اهورانی کی خواهد آمد؟ پروردگارا، پلیدی دروغ و آرز
کی از پهنه گیتی بر انداخته خواهد شد؟ و سید ای که موجب میگردد کرپان های سیه کار مردم را
بفریند و شیراران پیشگرم با اندیشه های شوم بر کشور با حکومت کنند.

بند ۱۱

ای مزدا، راستی و پاکی همراه با عشق و ایمان بخدا کی بر سرانغان خواهند آمد و در پرتو چیرگی نفوس
توشتی دایمی بارمنان خواهند آورد؟ هنگام حمد سیه کار سنگ و خونخوار چه کسی در برابر آنا ایستادگی خواهد کرد
و چه کسی از دانش و بنش و مومن برخوردار خواهد شد؟





بند ۱۲ "سپندگات، سات ۴۱"

براستی سوشانت باور با نندگان کستی از دانش و پیش بر خود دار بوده، و طیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته با آموزشهای توأمی مزدا هم آهنگی دارد. آنان بدستی ازین برندگان چشم و نفرت پدید آورندگان مهر و آشتی میباشند.

هات ۴۹ - بنا - بند ۱

ای مزدای پاک بهیستا، بنذو بزرگترین سدره من است همیشه با گمراه کردن مردم احساس فرسندی میکند. ای بخشنده مهربان بسوی من آیی و مرا توانایی بخشش در پرورش منش پاک براد دست یافته و او را از گمراهی ربانی بخشم و از پاداش نیک بر خودار کردم.

بند ۲

بدستی رشتکارهای بنذو مرا گمراه ساخته است، زیرا آموزشهای او جز دروغ و فریب و گمراه ساختن مردم و دور گنجه داشتن آنان از راستی و پاکی چیز دیگری نیست. او هیچگاه نسبت به پروردگار دلبستگی و ایمانی پاک و استوار نشان نمیدهد و سخطه ای ای مزدا با اندیشه پاک و ضمیر روشن توانی اندیشد.

بندو BENDVA کی از دشمنان سرخست شور زشت و از بت پرستان فریجاردنشنه انگیزه بدت گریها بود.





بند ۲

«سپندکات - ات ۴۱»

پروردگارا تو برای مردم باورد اشتن این آموزش را مقرر فرموده ای که راستی و تقاری
بخش و سودمند است و دروغ کجبت با روزیان آور. بنا بر این آرزو دارم که مردم بپند خود را با
اندیشه پاک استوار سازند و آئینش خود را با دروغ دهرها خوانان دروغ کافرا بکنند.

بند ۳

کج خضر دان بداندیشان با زخم زبان خشم افزاید درشت و جبهه آئینزند و کارگران در
از کار باز دارند. این زشت کرداران گرایش به نیکوکاری نداشته و چنان بر برون و نامدستی
خو گرفته اند که دیوان دودانی انسان مارا مانند.

بند ۴

ای مزد کسی با خواست درون جانباری مین و جدان خود و منش پاک پیوستگی پذیرد
چنین کسی از عشق و ایمان بخداوند بخوردار و در پرتو راستی و درستی بزبور خرد آراسته خواهد گردید
سز انجام باد اشتن همه فرزگان معنوی ای اهورا در کشور جادو دانی تو بسره خواهد برد.

بند ۵

ای مزد و ای اشا، خواستارم که مرا از اندیشه پاک و حکمت خویش آگاه سازید
تو حقیقت را با شناسم دینی را بجانان آشکار سازم که از سوی تو ای هستی بخش الهام گردیده است.





«سپنته گات - ات ۴۹»

بند ۷

پروردگارا بشود همه با بنش پاک و دلی روشن بنجانم توجه کنند و از روی پاکی درستی
آزادگوش هوش بشوند . اسی هستی بخش نجما می که پیام مقدس ترا بر مردم می آموزم گواه باش
تا یاران و خودمانها برابر قانون ایزدی زندگی کرده برای همکاران را به سنمای نیکی باشند .

بند ۸

ای هستی بخش انا ، به فرشته تر بهترین بخشش انا را که همانا پیوستگی در سیدن به
پروردگارا است ارزانی دار و همین نجایش را در مورد سایر مردم و پیروانم دریغ مدار .
بشود که در پر تو خشترا ، نیروی منوی و مقدسین مردم خدمت کنیم و از دستداران
تو باشیم .

بند ۹

خدمتگزارنی که برای ربانی مردم ارشنا آفریده شده است باید این دستور ایزدی را
گوش هوش بشود که شخص را پستگو همچا اندیشه امیزش با دروغلویمان تبه کاران را
نخود راه نخواهد داد ، اسی جا مناسب حکیم کسانی که با دین ایمان و دارای وجدانند با راستی

۱۱. در مورد یاران و خودمانها و همکاران توضیحاتی که در زیر نویس بند اول ات ۳۲ ذکر شده است ملاحظه شود .

۱۲. فرشتگی از یاران بسیار و فادار و صمیمی پیرو و برادر جا مناسب بود .





«سپنته کات. ات ۴۹»

و پارسانی پویسکی داشته و سرانجام از بهترین پادشاهان یعنی «بشت» برخوردار خواهند شد.

بند ۱۰

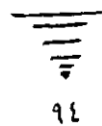
ای مرد با باد رود با آریستته منظر ایمان و فروتنی و خواستهای درون، این کوهرهای کوهها
یعنی روان نیک اندیشان و درست کرداران را برای نجاتی تومی سپارم چنانکه تومی میزبزرگ
و نیروی پایدار و جاودانی.

بند ۱۱

روان شهریاران شکر و بگرداران و رشت کهاران و سینه لان کج اندیشان به اخواها
دروغ بدوخ یا سراسی دروغ باز خواهند کردید زیرا ضمیمه روشن آنها و پیرکی نماده است از
روشنایی و حق دورگشته اند.

بند ۱۲

پروردگارا، آیا پرستندگان تو در پرتو آشا از کدام یاری برخوردار خواهند شد؟ آیا
زشت نیز در پرتو و بنوعی از گلهای تو بهره مند خواهند کردید؟ ای هستی بخش ما، با سرودی
شایسته ترا تسلیش کرده آرزو دارم آنچه را که در نزد تو گرامیترین است بمن ارزانی داری.





«سنتی‌نگات» هات ۵۰ - بند ۱

آیا روانم پس از مرگ از یاد می‌چسبم؟ کسی بر خرد دار خواهد شد؟ آیا هنگام گرفتاری کسی از من دیاران و پیروانم نگهداری خواهد کرد؟ ای هستی بخش دانا، جز آشا، منظر راستی پاکی و دُهومَن، منظرش پاک و روشندی یحسین یگر کربی از گرفتاریم نخواهد گشود، البته گزافیت پاک بگفت خواسته شوند.

بند ۲

ای مزدا کسیکه همیشه با اندیشه اینی و سود خویش است چگونه جهان خرمی بخش مهر خواهد ورزید؟ پارسایانی که برابر بنجارستی و راستی پاکی زندگی میکنند در مکانی که از تو خور تو در شان و منزلت دانا نیست بسر خواهند برد!

بند ۳

ای مزدا کسی که نیروی معنوی خسترا و دُهومَن را نهایی او در زندگی است با آشا، خسترا حقیقت خواهد رسید همچنان یکدیگر در تو نجاشی از دی بر شرفت و آبادانی این جهان دست داشتنی که دروغ و ریافترا فرفته است بگفت کند از یاری آشا بر خردار خواهد شد.

بند ۴

ای هستی بخش تیا، با سرودهای تسایش تو و همچنین آشا، دُهومَن خسترا را میسر موم و

۱۰۰. منظر بیست است. ۱۰۱. منظر راستی و پاکی و یکساندیشی و روشندی، نیروی معنوی و توانایی و چیرگی بر نفس.





«سپنته‌گات - ات ۵۰»

خواستارم که در فرازین راه آسمان حقیقت کام نماده و به آوای حق که از دستداران تو
در کرمان برخاسته گوش فراویم .

بند ۵

ای هستی بخش ناماد ای جلوه گاه راستی و پاکی ، با مهر و محبت بسوی سرانیده سرودهای
آسمانی یا پیمبر خویش روی آرید و ماری و پستیانی خود را از او دینغ نذارید تا بتواند ما را بر دشمنانی
ابدی دوح شبنجی جادو دانی زنبون کردد .

بند ۱

ای هستی بخش بزرگ ، ز رشت دوستدار آشا با آوای بلند ترا سایش کرده چنین
آرزوی دارم . پروردگارا همیشه ز بانم را با نختار شیرین انیمیند بپله ساز و خردار انهام
کنن . آفریدگارا در پر تو نشن پاک مرار دستورهای اخلاقی بر خور دار ساز و الهام بخش .

بند ۷

ای پاسدار آزادی و تسایش نزل ، ای هستی بخش دانا ، با نماز و نیایش بدگاه تو را چونم
یافت ، در پر تو راستی و منش پاک تو خواهم پوسیت . پروردگارا مرار سبیری فرما در کارنا
یاور و پستی بانم باش .





بند ۸

پنجاه گات - ات ۵۰»

ای هستی بخش دانا، با سرانیدن سرودهای موزون «گاتاها» که از شور و شوق دلم
برمیخیزد و باد سهای برافراشته بتوروی آورده خواستارم ای فردا چون دوستداری
با دفا و فردتن در پرتو راستی و پاکی دفر دگفتی آفرین دهبوسن تو نزدیک کردم .

بند ۹

ای خداوند خرد و جلوه گاه راستی و درستی در پرتو کارهایی که از خرد و نیک نشی سرچشمه گشته با
سرودهای مقدس سالیان کنان بسوی تو باز خواهم گشت پروردگارا، با آگاهی از سرنوشت خویش با
شوق بسیار آرزو مندم تا از دانش و حکمت الهی برخوردار گردم .

بند ۱۰

پروردگارا بشود کارهایی که در گذشته انجام شده و آنچه در آینده از روی خرد و اندیشه پاک انجام
خواهم داد از دیدگاه تو شایسته بوده و مورد پسند و گاهت باشد، ای خداوند جان و خرد، تاملش جو رسیده
و روشانی سپیده دم با مداد برابر بنجار هستی نمایانگر فرزند شکوه توست .

بند ۱۱

ای مزدا، خداوند خرد، من تاسیگر تو بوده و از زمانی که مرآتت توان است براه راستی خواهم رفت تاسیگر
تو خواهم ماند. بشود که آفریننده جهان در پرورشش پاک بترین آرزو خواست در شکر داران پاک که مشرف و آبادانی جهان آساز
آسازده





دو بخش‌ترگات مات ۵۱ بند

خسترا، نیروی آلهی بخششی است بسیار از جند که چون بارانی مایم از غرش زمین میاید.
 و خواسته ای درون جان با حکان راه حق را در پرتو آشا بخدست گذاری موم برخواهد بخشیت.
 ای مزدا، بهشت بانیکو کاری بدت آید. پس برای همیشه در انجام کار نیک کوشا خواهیم بود.

بند ۲

خشت کردار ای نیک خود را تو ای خداوند جان خرد و آشا، جلوه گاه راستی پاک را بکنیم.
 و پس تو ای آستیتی، جلوه گاه ایمان و عشق پاک، پروردگارا، مرا از نیروی مسنوی خود
 آگاه فرما و پرستندگان با وفای خود را در پرتو منش پاک رستگاری بخش.

بند ۳

به سخنان کسانی کوشش فرماید که با کردار نیک و گفتار راست و منش پاک ای تهی بخشیت
 خواستار پیوستن تو هستند، کسانی که تو خود نختین آموزگار و الهام بخش آنانی ای مزدا.

بند ۴

پروردگارا، مهر فزون از اندازد تو کجاست و کی رحمت و بخشایش تو پرستنده با وفا
 در برخواهد گرفت؟ راستی و درستی کجا میوان بدست آورد؟ ایمان و عشق پاک بخدا را کجا میوان
 یافت؟ برترین منش را در کجا میوان جستجو کرد و نیروی شهر یاری و سرور می ای مزدا از کجا چشمه میگیرد؟





بند ۵

«دو بخش ترکات. ات ۵۱»

این پرسش از رهبر در تکراری است که با فروتنی در پی انداختن دانشی شرف نیکو بوده و راه پیشرفت آفرینش را برابر با هنجار هستی مردم نشان دهد، رهبری که چون داری داد کرد و توانا از روی دانش و خرد راستی آموزد و نجشایش آورد.

بند ۶

خداوند جان و خرد در پرتو شهر یاری خویش کجی که خواست او را بجای آورد و به پیشرفت آفرینش کمک کند پاداشی بهتر از نیک بخشد، ولی کسی که خواست او را انجام دهد و برای پیشرفت آبادانی جهان کوشش ننماید در روز واپسین کجفر زشتی کردار خویش گرفتار گردد.

بند ۷

ای آفریننده زمین و آب و گیاه، ای مزدا، در پرتو خرد متعینتس خورش رسالی جادو انداز را بر من بخش. پروردگارا به من توانائی و پایداری بخش و در پرتو منش پاک امورشش ای ای بر من آشکار ساز.

بند ۸

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من مردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانچه سزوست شومی در انتظار در دنگویان و تبه کاران است و چگونه بر او امان راستی و نیکو کاران از خوشبختی





«دو بخشه گات - ات ۵۱»

و سرانجام در نتیجه آموزشهای گمراه کننده خود نیز بسیاری دروغ یاد و فریخ اندر خواهند شد.

بند ۱۵

پاداشی را که زرتشت به نمان برادران دینی از پیش نوید داده است گرو نمان با خانه سرود و تسایش و بهشت است، جایی که از روز ازل منزلگاه هستی بخش دانا بوده است. این پاداش را که چون بخشش الهی است و تنها در پروتواندیشیه پاک را پستی بدست توان آورد بشما نوید میدهم.

بند ۱۶

در پروتویروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت که از منش پاک الهام گرفته است گوی گشتاب بان «پاداش» دست یافت و در پروتو اش از دانشی برخوردار شد که منشی بخش دانا و پاک مقرر فرمود دانشی که ما را بسوی خوشبختی و دستکاری رسانمون گردد.

بند ۱۷

فرستاده بود که وجود منش را که عزیزترین حیر است در راه خدمت به پسر دین بھی «مزدینا» شار کرد. بشود که هستی بخش دانا و توانا آرزوی او را بر آورد سازد تا به اشاد تسری پیدا کرده و بدرک حقیقت نایل آید.





بند ۱۸

«دو بخشترکات - بیت ۵۱»

جاماسب دانا از خانواده بنو ذکوان که خواستار روشنائی حقیقت است در توراستی
دانش الهی را برای خویش برگزید و در پرورشش پاک بنیروی معنوی دست یافت . ای
هستی بخش یکتا و ای خداوند دانا بخشش ای نامبرده را با ارزانی دار تا نسبت به تو
دلگیری پیدا نکنیم .

بند ۱۹

مید یوماه از دودمان اسپندان مردی است که با آگاهی کامل از زمین مرد سنا
زندگانی خود را وقف مشیرفت آئین من کرد . او کسی است که کوشش دارد زندگی خود را
بمفهوم واقعی درک کند و آئین مزد را را با کردار خدمت مردم بهتر به بیان بیاموزد .

بند ۲۰

ای آشا سپندان شاهجه مملکت و بهنگام نجاشش نیک با مردم ارزانی دار .
آئین راپستی دپاکی و منش نیک را با بیامورید که عشق و ایمان بخدا در نهادمان افزایش
یابد . پروردگارا ما با قلبی آکنده از مهر ترا می پرستیم و خواستاریم به شادی و خوشحالی
جاودانی مزد او دست یابیم .

۱۰- «داره بهنگام دجهلک همیشه بمفهوم آشا سپندان گرفته شده و در این بند نیز با نبودن واژه آشا سپندان مفهوم اراده شده است»





«دو خوشترکات - بات ۵۱»

بند ۲۱

مرد با ایمان خدا شناس پارسا و پرهیزکار است؛ اندیشه و گفتار و کردار و وجدانش
به افزایش دگترش راستی گمک خواهد کرد. در پرتو منش پاک و حیرگی بفض هستی بخش
دنامی بهیما بخشایش انجوش را با ارزانی خواهد داشت. پروردگارا برای بخورداری از
این بخش نیک بوردی می آورم و از انجوستارم.

بند ۲۲

کلیکه در پرتو راستی پاک و هرکاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد؛ از دیدگاه
هستی بخش دنامی بزرگ بهترین هستی با است. کسانیکه در گذشته حال چنین بوده
هستند آنان با احترام و بنام یاد کرده و کوشش خود را هم کرد با کردار نیک به تمام دانی
آنها برسم.

۱۰. بخشایش ابورالی عبارتند از آرامش اندیشه و وجدان در روشنائی ضمیر و نیش دل، نیردی راده
لی نیازی از خواسته دنیوی بخورداری ز خرسندی و خوشبختی سربرد.





دیشواشت گات هاٹ ۵۲ کسنا - بند۱

ہمہ خواستہ ای اٹو زرتشت اسپنمان بہترین و جہی بر آوردہ شدہ و اہورا مزدا
 «ہستی بخش دانا» اور از بہترین نجائش برخوردار ساخته است، بمغنی کہ یک
 زندگانی خرم و نیک و سراپا پارسائی برای ہمیشہ باو عنایت فرمودہ و حتی کسانیکہ
 با او دشمنی میوزیدند آموختہ اند کہ باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از اہن بھی
 پیروی کنند .

بند۲

ایدن ہمہ با اندیشہ و گفتار و کردار بکوشید تا مزدار آشنو سازید و ہر یک
 انجام کار نیک را برای نیایش او برگزینید . کی گشتاب ہوا خواہ زرتشت و
 میدیو ماہ و فرسوشتر راہ راست و دینی را اختیار کردند کہ از سوی اہورا بہ
 سوشیانت^۱ «نجات دہندہ بشر» الہام و اسکار گردیدہ بود .

بند۳

ای پور و حیت اردو دمان ہیچد نپ از خاندان اسپنمان ای جوان بر
 دختر زرتشت مزدا اہورا، اورا کہ کمنش پاک و راستی و پاکی دلگیری و ایمان دار و جوان

۱. - منظور از سوشیانت در این بند خود اٹو زرتشت می باشد .





«بیتوایت گات- مات ۵۳»

سرور و مبر تو بخشید پس بر با خردت نیک ثورت کن با عشق پاک و آگاه کمال رفتار نما.

بند ۴

من کسی را که بعنوان پدر سرور شش کران و خود مانیا نگارده شده است دوست خیم داشت
و به سری می پذیرم، بشود که درین پارسایان زنی پاکدامن و شایسته باشم و از شکوه یک
زندگانی سراسر نیک منشی برخوردار گردم، بشود که مزد او را مرا همیشه از امور منشی حکیمان
دین همی برخوردار سازد.

بند ۵

این سخنان را بنوعر و سان تازه دامادان میگویم، امید دارم اندر زم را بگوشش
شنوید و با ضمیری روشن آرزای نیک در یابید و بخاطر بسپرد، همیشه بانیک منشی و مهر محبت
زندگی کنید و در راستی و پکی کوشش کنید از کله گیر مپیشی جویند، چه بجان از زندگانی سرش
از خوشی و خور و شهنختی برخوردار خواهید شد.

بند ۶

ای مردان و زمان کوشش کنید باین حایق توجه داشته باشید، از دروغ که همان
زندگانی مادی و وسوسه انگیز است پرهیز کنید و از مشیرت زیاد فریب جلوگیری نمائید، پویند

۱۱، نظور پور و صیت دختر اشوزتشت می باشد.





«دیشتر ایت کات - ات ۵۳»

خویش را با دروغ بخلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادت و بدبختی و بیچارگی می آید
 بت آید جز رنج و افسوس چیزی با رنج نخواهد آورد و تبه کاران و دروغ پرستانی که در پی
 تباهی دست کرده اند، برستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را از بین خواهند برد.

بند ۷

بنحایی که باین آزادی و برادری پایی بند باشید و مادام که عشق و وفاداری ریشه در
 دردهای شناخت جوان (عروس و داماد) وجود داشته باشد، چه در این جهان و چه در
 زندگانی دیگر از بهترین پاداش بهره مند خواهید شد، ولی هرگاه گرفتار روح پیدا همینی و
 وسوسه های شیطانی شده و از آئین آزادی و برادری دست بردارید، پی آمد آن جز
 رنج و اندوه با تک دینغ و افسوس خیر دیگری نخواهد بود.

بند ۸

براستی بگرداران تبه کاران سرانجام خوب نخواهد بود و مورد شکر مردم قرار گرفته
 خود را سزانش خواهند کرد. بشود که در پرتو سبزی دست گردار و شرمیاری دادگر زمان مردان
 در دودمان خویش در روستا از آرایش آسایش و صلح آشتی برخوردار گردند، بشود که





«دیشوایش - ات ۵۳»

ریا و فریب کاری که چون زنجیر انسان را بتپاهای می کشاند از پنجه گیتی برانداخته شود.
 بشود که خداوند کتیا و بزرگت از همه بزودی بسوی ما آید.

بند ۹

کج باوران و بدیشان نسبت به نیکوکاران نفرت دارند و اشخاص محترم و با ارج را حوا
 می شمارند، آنان بنده هومی و هوس اند، و دست کرداران بدمیده حقارت می گزیند، هر چند
 بانص خویشت، ندام در کشتش و پیکارند. کیت آن سرور پر مهر کاری که در کمال آزادی با
 تمام وجودش بابدکاران مبارزه کند، اسی مزدا تنها نیروی معنوی است که می تواند در پیشانی^۱
 دست کار را یار و یاور باشد و به آنان نیکوترین پاداش بخشد.

(۱) در دیشان، اشخاص در بنیز کار و در استه ای می باشد که از سخا و آادی فقیرند ولی از سخا و سنوی ثروتمند.

به لطف ایزد دانا

ششم همراه یکنزار و سیصد و هشت جبری شمس کتابت گاهتایا سرواوی آسمانی

با تمام رسید

۱۳۶۰ - نخل - کترین غلامی عطاریان

